مرگ بر امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق ما

کار

کارگران و زحمتکشان متحد شوید

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
((اکثریت))

سال دوم ـ چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹ — شماره ۶۷ ـ قیمت ۲۰ ریال ـ ۱۶ صفحه

بر اساس منابع اطلاعاتی سازمان

کودتای توطئه کودتای پایگاه نوژه را در چهاردهم خرداد (بیش از چهل روز قبل)

(در صفحه ۳)

به پیشگاه خلق گزارش کرده بود

فقط اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست با انقلابیون کمونیست می تواند دسیسه‌های امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن را درهم شکند

آنها که مرز میان دوستان و دشمنان مردم را درهم می‌ریزند، آنها که علیه انقلابیون کمونیست و سایر نیروهای انقلابی به کینه‌توزی برخاسته‌اند، زمینه‌سازان کودتای امریکائی هستند.

کشف توطئه باندهای ضد انقلابی ارتش دو حقیقت بزرگ را یک بار دیگر به روشنی تمام به اثبات رسانید. دو حقیقتی که درس آموزی از آن وظیفه مبرم تمامی نیروهائی است که در راه استقلال میهنمان ایران پیکار می‌کنند. دو حقیقتی که در راه بنای ایرانی آزاد و دمکراتیک باید همیشه و همواره آویزه گوش انقلابیون خلق باشد.

اولین و مهمترین درسی که باید از این توطئه کودتا گرفت آن است که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن در هیچ شرایطی از تلاش برای روی کار آوردن یک حکومت

بقیه در صفحه ۲

کودتا

با شرکت فعال پرسنل انقلابی ارتش درهم شکسته شد!

در صفحه ۷

ایادی امپریالیسم با انفجار بمب، میتینگ فدائیان خلق در مهاباد را به خون کشیدند

در صفحه ۶

در این شماره:

باز هم توطئه کودتا فقط اگر مردم با هم متحد باشند امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند — در صفحه ۹

نسبت به اعدام احتمالی یکی از فرزندان انقلابی خلق ترکمن به مقامات مسئول هشدار می‌دهیم! — در صفحه ۱۶

گرانی درد بی درمان سرمایه داری وابسته — در صفحه ۵

گرامی باد خاطره مبارزات درخشان و خونین نفتگران ۲۳ تیر — در صفحه ۳

به مناسبت سالروز قیام ملی ۳۰ تیر
با اتحاد مردم امپریالیسم و ایادی آن را می‌توان شکست داد — در صفحه ۸

زحمتکشان «دکه‌دار»: ما کار می‌خواهیم! وسایل امرار معاش ما را تأمین کنید — در صفحه ۱۳

اخبار کارگری
نامه گروهی از کارگران نانوائی های قهرمانشهر (کرمانشاه) به "کار"
در مجتمع مس سرچشمه، کارگران خواهان شوراهای واقعی اند
بخاطر سود جوئی سرمایه داران و پیمانکاران از فروردین ماه تاکنون ۱۰ تن از کارگران بندر خمینی جانشان را از دست دادند — در صفحه ۱۱

دسیسه‌های ایادی امپریالیسم جهانی را علیه سازمان خنثی کنیم! در صفحه ۲

از این پس نشریات، مکاتبات و نظرات سازمان به امضاء

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

انتشار می‌یابد

در صفحه ۱۲

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۲

بقیه‌ازصفحه ۱

فقط اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست با ...

وابسته به خود دست نخواهد کشید و در این راه از انجام هیچ‌جنایتی علیه خلق ما فروگذار نخواهد کرد. این دشمن تیر خورده خلق ما اکنون که منافع حیاتی آن در ایران لطمه دیده است تمام نیروی خود را بسیج کرده است تا با روی کار آوردن رژیمی مثل رژیم سابق، به جبران ضرباتی که در دوساله اخیر از خلق‌های قهرمان میهنمان دریافت داشته است با به راه انداختن سیل خون و کشتار وسیع خلق آنچه را که از دست داده است دوباره‌به چنگ آورد.

امپریالیسم امریکا درافق آینده روزهای تیره تری را می‌بیند. امپریالیسم امریکا می‌بیند که حاصل انقلابی که از سال ۵۷ آغاز شده است علاوه بر ضرباتی جدی که بر منافع عاجل امپریالیسم جهانی وارد آورده است موجب گردیده است میلیون‌ها زحمتکش ایرانی روز به روز متشکل‌تر شوند و دشمن اصلی و راه رهائی نهائی خود را بهتر بشناسند. رشد نیروهای انقلابی در حدی است که امپریالیسم امریکا را به جنون کشانیده است.

توطئه احمقانه حمله نظامی هلی‌کوپترهای امریکائی و فرود آنها در حوالی طبس، تشکیل دستجات ضد انقلابی مسلح پالیزبان ــ بختیار در غرب کشور، عملیات مسلحانه سران مرتجع عشایر در فارس و بلوچستان و خوزستان تنها نمونه‌هائی از تلاش‌های مذبوحانه‌ای است که تحت حمایت دولت امریکا برای روی کار آوردن یک حکومت دست نشانده به اجرا گذاشته‌شده است.

وقتی ما میگوئیم دشمن اصلی امپریالیسم امریکاست این تنها یک حرف توخالی نیست. تجربه ۲۸ مرداد، تجربه شیلی، مصر، اندونزی، بنگلادش عراق و دهها کشور دیگر نشان داده است که امپریالیسم امریکا لحظه‌ای هم از تلاش برای سرنگون کردن نیروهای ضدامپریالیست و سپردن قدرت به دست‌عناصر وابسته به خود غافل نخواهد ماند. این مهم نیست که امپریالیسم امریکا از چه طریق این مهم را به انجام می‌رساند. مهم این مسئله است که امپریالیسم امریکا از هر طریق که بتواند در پیشبرد اهداف جنایتکارانه و ضدخلقی خود اقدام خواهد کرد. یک روز به حزب خلق مسلمان و مراجع مرتجع وابسته به آن متوسل می‌شود، روز دیگر با مهدی بازرگان در الجزیره به سازش می‌نشیند و روز دیگر به‌تهاجم‌نظامی و کودتای نظامی روی می‌آورد یا با تحریک اقتصادی علیه اقتصاد ایران که تا مغز استخوان به امپریالیسم وابسته است دست زده و از طریق تحمیل گرانی و بیکاری به مردم زحمتکش ما برای سست کردن و مایوس کردن روحیه رزمنده و انقلابی خلق ما نقشه می‌کشد. تکرار مکرر این توطئه‌ها به ما می‌آموزد که امپریالیسم نه تنها در میهن ما ریشه‌کن‌نشده است، نه تنها بطور قطعی و نهائی شکست نخورده است بلکه هنوز چنان قدرت مند است که میخواهد و می‌کوشد حکومت جمهوری اسلامی را نیز سرنگون کند و ایادی خود را روی کار آورد و در این راه اکثر فرماندهان ارتش همدست آن اند.

مردم زحمتکش ما امروز باید این حقیقت بزرگ را به خوبی درک کرده و دریابند که دشمن بزرگ و اصلی خلق هم چنان در تلاش است که اولا آنچه را که از دست داده دوباره به چنگ آورد. ثانیا به هر طریقی که میتواند جلوی رشد انقلاب را بگیرد و نگذارد مردم متشکل‌تر و آگاه‌تر شوند. آری امپریالیسم امریکا به سادگی تن به تسلیم نخواهد داد. این حقیقتی مسلم است که اکنون روز به روز آشکارتر می‌شود و خلق قهرمان ما باید از آن آگاهی یابند.

حقیقت دیگری که با کشف توطئه کودتا یک بار دیگر در معرض قضاوت توده قرار گرفت با تمام شواهد موجود، نشان می‌دهد که سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران و در راس آن شورای انقلاب تا امروز از هر نظر که حساب کنیم سیاستی بوده است که ریشه‌های تحقق توطئه‌های امپریالیستی را نه تنها نخشکانیده است بلکه دقیقا به علت محافظه‌کاری و سازشکاری‌هائی که شده است ضد انقلاب را هر روز جری‌تر کرده و میدان عمل بیشتری بدان بخشیده است. هر گاه به یادبیاوریم که وقتی انقلاب شد تمام قدرت به دست کمیته‌های انقلاب، دادگاه‌های انقلاب، سپاه پاسداران، انجمن‌ها و شوراهای اسلامی افتاد باید از خود بپرسیم پس چرا این نهادها که حاصل قیام بودند ارتش شاهنشاهی را حفظ کردند؟ چرا از شخصی مثل بازرگان و کابینه لیبرال او دعوت کردند که حکومت را تشکیل دهد؟ چرا سرمایه‌های سرمایه‌داران وابسته را مصادره نکردند و چرا سیاست خارجی را طوری پیش نبردند که خلق ایران با کمک متحدین و دوستان خود در سراسر جهان امروز زیر فشارهای اقتصادی امپریالیست‌هاو تا این اندازه در رنج گرانی و بیکاری ناشی از آن قرار نداشته باشد؟ چرا در راس وزارت خارجه ایران فردی چون قطب‌زاده دوست امپریالیسم امریکا قرار دارد؟

حفظ ارتش ضد خلقی رژیم شاه و تبلیغ این خیال باطل بین توده‌ها که گویا ارتش ملی و اسلامی شده است امروز جدی‌ترین خطرات را برای دستاوردهای خون هزاران شهید خلق به وجود آورده است و مسئولیت حفظ این ماشین عظیم وابستگی و جنایات نیز مستقیما برعهده مقامات و دولت جمهوری اسلامی ایران است. و در این میان در شرایط فعلی بیشترین مسئولیت در این زمینه متوجه شخص رئیس جمهور است. آقای رئیس جمهور با حمایت از فرماندهان ارتش، با گماردن عناصر غیر قابل اعتماد در راس ارتش راه را برای اجرای نقشه باندهای ضدخلقی باز گذاشته است.

اکنون رئیس جمهوری باید به مردم توضیح دهد که چرا و به چه علت با عناصر مزدور و خائنی همچون قشقائی‌ها، میناچی‌ها، فلاحی‌ها، باقری‌ها و دیگر سران خائن ارتش مماشات می‌کند؟ تاریخ همواره گواه حقانیت انقلابیون کمونیست است.

تاریخ ثابت خواهد کرد که هر قطعه‌ای که از آن ارتش ضدخلقی رژیم شاه باقی بماند قطعا و مسلما به سنگری برای ضد انقلاب و باندهای ضد خلقی وابسته به امپریالیسم تبدیل خواهد شد. مگر ارتش در یک سال و نیم اخیر چه کرده است؟ کدام توطئه ضد انقلابی بوده است که توسط سران خائن ارتش کشف‌شده باشد مسئولیت دستگیری کدام باندها و عناصر ضد انقلابی را در ارتش بر عهده گرفته است آیا جز بمباران سنندج بانه، مریوان و دیگر مردم بی‌پناه کردستان جز کشتار خلق، جز روابط پنهانی با فرماندهان فراری ارتش کار دیگری هم در پرونده سیاه این ارتش به چشم می‌خورد؟

سازمان ما، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تنها سازمانی بوده است که از همان روز قیام که نیروهای مذهبی آگاهانه یا ناآگاهانه شعار می‌دادند "ارتش برادر ماست" قاطعانه اعلام کرد که این ارتش مهمترین سنگر ضد انقلاب است و باید در هم شکسته شود.

آنان که تا امروز به انحاء مختلف از این ارتش دفاع کرده‌اند اکنون پاسخگوی این سیاست خود باشند. اما خطاست هر گاه تصور کنیم حتی با برچیدن این ارتش خطر نیروهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم از میان‌خواهد رفت. حقایق نشان می‌دهد سیاست‌هائی که بین مردم تفرقه‌اندازی‌میکند، سیاست‌هائی که می‌کوشند بر اساس اختلافات عقیدتی یک بخش از مردم را در برابر بخش دیگر قرار دهند و به جای دعوت مردم به‌اتحاد با یکدیگر و مبارزه متحد با امپریالیسم امریکا و ایادی آن آنان را به مبارزه با انقلابیون کمونیست و دیگر انقلابیون خلق دعوت می‌کنند، آنان که تحمل هیچ عقیده و فکر دیگری را ندارند و بر اساس تعصب مذهبی به دشمنی با سایر نیروهای ضد امپریالیست کمر بسته‌اند، آنان که بر اساس همین افکار روز به روز اتحاد و همبستگی مردم را در برابر دشمن اصلی تخریب می‌کنند و آن را به دشمنی بدل می‌کنند، آنان که از سیاست سرکوب خلق‌های تحت ستم جانبداری می‌کنند، نیروی انقلابی مردم را از مقابله با دشمن اصلی غافل ساخته و به دشمنان خلق اجازه می‌دهند که با فراغ خاطر علیه مردم توطئه کنند. مدارک موجود به ویژه همزمانی واقعه طبس با درگیری‌های دانشگاه و تشدید جنگ در کردستان و شایعات مربوط به ۱۵ خرداد که حتی شد نشان می‌دهند که تا چه حد امریکا بر تفرقه و دشمنی نیروهای انقلابی برای اجرای نقشه‌های خود حساب می‌کند. اگر در ایران گروههای سیاسی مردم به دشمنی با هم برخیزند حتما امریکا مسلط خواهد شد. فکر بسیار خطرناکی است اگر تصور کنیم از دست امپریالیست‌ها هیچ‌وقت کاری ساخته نیست. فقط اگر مردم با هم متحد باشند "امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند". اگر میلیون‌ها مردم در اتحاد با یکدیگر در زندگی سیاسی حضور داشته باشند هرگز امکان کودتاهای امپریالیستی به‌وجود نخواهد آمد. چه کسی می‌تواند مدعی شود که مشاهده تعداد جمعیت و سمت شعارهای تظاهرات روز جمعه ۱۰۳ تیرماه در تصمیم کودتاگران می‌تواند بی‌تاثیر باشد و چه کسی می‌تواند منکر این حقیقت شود که تظاهرات روز جمعه ۱۳ تیرماه مشخصا محصول یک سال و نیم سیاست‌های قشری و انحصارگرانه و تفرقه اندازانه حکومت بوده است؟

علاوه بر این‌ها و مهمتر از همه اینها آنچه که امپریالیست‌ها بیش از همه روی آن حساب می‌کنند و رادیوهای آنها بیش از همه روی آن تبلیغ می‌کنند سیاست‌هائی است که دولت جمهوری اسلامی ایران در مقابل خواست‌ها و مطالبات زحمتکشان در پیش گرفته است. سیاست‌های حکومت دو یک سال و نیم اخیر نشان داده است که قادر نیست در برابر فشار امپریالیست‌ها برای درهم شکستن اقتصاد ایران و تحمیل گرانی و بیکاری به زحمتکشان قاطعانه بایستد و مقابله کند. امپریالیست‌ها با تحمیل محاصره آن، با ضبط دارائی‌های خارجی و اموالی که متعلق به خلق ایران است، با گران کردن سرسام‌آور محصولاتی که شامل محاصره اقتصادی‌نمی‌شود در گسترش بیکاری و تحمیل گرانی میخواهند مردم زحمتکش ما را از مبارزه با امپریالیسم مایوس و منصرف سازند و زمینه کودتا را فراهم نمایند.

سرمایه‌داران بزرگ که در آرزوی رژیم شاه هستند مجریان اصلی تمام این سیاست‌های امریکائی در ایران هستند. آنها که اوضاع را به کام خود نمی‌بینند برای آنکه هر چه زودتر سودهای کلان جمع‌آوری کنند و راهی خارج شوند قیمت اجناس را روز به روز بالا و بالاتر می‌برند.

صاحبان املاک و آپارتمان‌ها، خانه‌های خود را احتکار کرده‌اند. درحالی که هزاران نفر شب را در خیابان به روز می‌آورند و جمهوری اسلامی نیز در برابر تمام این جنایات سیاستی آشتی جویانه و مماشات طلبانه پیش گرفته است.

دولت جمهوری اسلامی ایران تا امروز نه یک سیاست قاطع برای مصادره اموال سرمایه‌داران بزرگ پیش گرفته است (نگاهی به لیست تجار میلیاردر بازار بیندازید) و نه کوشیده است با گسترش همکاری‌های همه جانبه با دولت‌ها و ملل دوست ملت ایران نقشه امپریالیست‌ها را برای تحمیل گرانی و بیکاری بر زحمتکشان ما تخفیف دهند. آقای رضا صدر وزیر بازرگانی صراحتا جانب تجار پولدار بازار را گرفته است و مانع از آن شده است که بساط غارتگری این سرمایه‌داران که تجارت خارجی را به انحصار خود در آورده‌اند برچیده شود. ادامه این سیاست‌های جمهوری اسلامی بیشترین رنج و محرومیت را نصیب زحمتکشان و بهترین شرایط را برای بهره‌گیری دشمنان مردم فراهم کرده و خواهد کرد.

کودتای نظامی تنها در شرایطی امکان وقوع می‌یابد که تورم و بیکاری اقتصاد ما را فلج کرده باشد که امپریالیست‌ها موفق شده باشند تخم یاس و بدبینی نسبت به مبارزه و انقلاب در میان توده‌های مردم رواج دهند، که تحت تاثیر سیاست‌های انحصارگرانه و نفاق افکنانه صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی از هم گسسته باشد و میلیون‌ها زحمتکش به پا خاسته ایران از حداقل آگاهی‌های سیاسی و تشکل برخوردار نشده باشند.

اینها درس‌های بزرگی است که خلق قهرمان ما باید از تکرار این توطئه‌های ضد خلقی، فرا گیرند. اینها حقایقی است که باید بطور وسیع برای توده مردم بازگو شود. بدون افشای بی‌پرده این حقایق ما هرگز قادر نیستیم با این توطئه‌های تهاجم نظامی و کودتای نظامی و امثالهم بطور جدی به مقابله برخیزیم.

در پایان نیز بجاست به سیاست واژگونه و چپ‌روانه برخی گروهها و سازمان‌هائی چون اشرف دهقانی، راه فدائی، اقلیت منشعب، راه کارگر و پیکار و شرکه نیز اشاره شود که چگونه پیشداوری‌ها قضاوت‌های شتابزده، تحلیل‌های کودکانه و پندار بافی‌های آنان در ستیز با واقعیت‌های عینی در یک سال و نیم اخیر مدام "آچمز" شده و از توضیح حقایق بازمانده و به انکار واقعیات پناه برده است. چیزی که بیشترین بهره آن نه کیسه فرصت‌طلبان راست ریخته است! آیا این گروهها امروز حاضرند بپذیرند که سیاست‌های چپ‌روانه آنها بزرگترین خدمت را به اپورتونیسم راست (حزب‌توده) کرده است؟

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۳

بر اساس منابع اطلاعاتی سازمان

کار توطئه کودتای پایگاه نوژه را در چهاردهم خرداد (بیش از چهل روز قبل) به پیشگاه خلق گزارش کرده بود

چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۱ ـ صفحه ۱۲

فرماندهان نظامی درفکر کودتا هستند

در "کار" شماره ۶۱ ، چهارشنبه ۱۴ خرداد ، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از کودتایی که قرار بود با پرواز ۲۰ الی ۲۲ فروند هواپیمای شکاری از یکی از پایگاه‌های نیروی هوایی آغاز شود ، پرده برداشت و اعلام کرد که این کودتا که نخست قرار بوده است در اوایل خرداد انجام شود به علت شرایط نامناسب به زمان مناسب‌تر موکول شده است. در همین خبر آمده است که سرگرد گلچین فرمانده عملیاتی پایگاهی است که قرار است کودتا از آنجا آغاز شود. با توجه به آن که سرگرد گلچین فرمانده پایگاه نیروی هوایی نوژه است ، کاملا روشن و مسلم است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تاریخ سوم خرداد یعنی ۴۷ روز پیش از آغاز عملیات کودتای پایگاه نوژه این توطئه را کشف و در تاریخ چهارشنبه ۱۴ خرداد ماه از طریق نشریه کار به پیشگاه مردم ایران گزارش کرده است. بدون تردید پرسنل مبارز ارتش و همه دستگاه‌های دولتی جمهوری اسلامی از خبر نشریه "کار" مطلع بوده‌اند. روشن است که گزارش "کار" در خنثی کردن این توطئه تا چه حد اهمیت داشته است.

گزارشاتی که پیرامون تعداد هواپیماهایی که قرار بود در کودتا شرکت کنند ، اخیرا فاش‌شده است ، نشان می‌دهد که خبر نشریه "کار" تا چه حد دقیق بوده و برخلاف تصور همه نیروهایی که یا دولت کنونی را دولتی نمی‌دانستند که امریکا و ایادی داخلیش علیه آن دست به کودتا زند و یا ارتش را چنان وفادار تصور می‌کردند که چنین کودتایی را بعید اعلام می‌کردند ، تکوین توطئه کودتای امریکایی در ارتش جمهوری اسلامی حقیقت داشت و حقیقت دارد. این آخرین توطئه کودتا نیست. اگر فرماندهان امریکایی ارتش مصدر کار باشند ، اگر نظام اطاعت کورکورانه در ارتش باقی بماند ، اگر شبکه‌های جاسوسی امریکا و محافل وابسته به لیبرال‌ها در ارتش به موجودیت خود ادامه دهند ، اگر پرسنل مبارز و انقلابی ارتش ، فرماندهی و اداره ارتش را در اختیار نگیرند ، ما در آینده شاهد دسیسه‌های گسترده‌تر و به مراتب خطرناک‌تری در ارتش علیه مردم ایران خواهیم بود. ما از قیام تاکنون همواره‌بر ضرورت دگرگونی اساسی در ارتش پای فشرده‌ایم و امروز بیش از هر زمان دیگر صحت سخنان ما آشکار می‌شود.

خبری که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در نشریه "کار" ۶۱ ، در تاریخ ۱۴ خرداد ماه به چاپ رسانید ، بدین شرح است:

بنا به اطلاع واصله در یکی از پایگاه‌های هوائی و در ساعت ۳ الی ۳/۵ بعد ازنیمه شب به تاریخ ۳ خرداد ۵۹ (سحرگاه شنبه) پیامی رادیوئی درباره عملیات کودتا شنیده می‌شود. این پیام مکالمه‌ای چند دقیقه‌ای بود که طی آن اجرای عملیات را به علت شرایط نامناسب " کنسل" (ملغی شده) اعلام می‌دارد. متعاقب تحقیقاتی که به عمل آمد شواهدی نشان می‌داد که در این شب توطئه‌هائی از جانب عناصر ضدانقلابی ارتش در شرف انجام بوده است. مطابق این تحقیقات در همان شب (شب‌شنبه) که مکالمه مشکوک رادیوئی شنیده شد:

۱ـ تمام هواپیماهای پایگاه آماده برای پرواز شماره‌ای درخواست کرده بودند. این هواپیماها که بمب‌های ۷۵۰ پوندی حمل می‌کنند همگی که تعدادشان ۲۰ الی ۲۲ فروند است آماده پرواز بوده‌اند. در ضمن کلیه هواپیماها مجهز به بمب و راکت و جنگی. ۸ فروند آن بمب‌های ۷۵۰ پوندی بمباران کرده بود. تا آن زمان برای پرواز به کردستان بیش از ۸ تا ۱۰ فروند هواپیما برای پرواز آماده نمی‌شد و این وضعیت غیر عادی را نشان می‌دهد.

۲ـ گروه مذهبی و مسلح پایگاه که حدودا ۵۰ نفر هستند و از اعضای انجمن اسلامی می‌باشند روز قبل یعنی جمعه به ماموریت کردستان اعزام شده بودند و پادگان از وجود آنان خالی بود.

۳ـ سرگرد گلچین فرمانده عملیات پایگاه و سرهنگ صفری فرمانده پایگاه با حیله و دسیسه نماینده امام (آقای رضوان) را برای مدت ۲۴ ساعت از پایگاه خارج می‌کند.

موارد فوق نشان می‌دهد که چگونه فرماندهان ارتش به راحتی و آزادانه در پی توطئه‌های شوم خود هستند. علیرغم هشدارها و افشاگری‌هایی که از جانب نیروهای سیاسی ، انقلابی و ترقیخواه مکررا صورت گرفته است ، همچنان ترکیب و نظام امریکائی حاکم بر ارتش دست نخورده باقی مانده است.

هرچند این توطئه‌ها فعلا قادر نخواهند بود که در برابر عزم راسخ‌خلق‌های مبارز ایران به جایی روند ولی تعلل در برپایی ارتش توده‌ای و حفظ و بقای ساختمان پیشین ارتش و ابقای همان فرماندهان شاهدوست امریکائی به معنی هموار کردن راه برای تسلط امپریالیسم امریکا ودوستان و جاسوسان آن ، به معنی پشت کردن به منافع خلق و زحمتکشان است.

زمانی که ما خبر توطئه کودتا را فاش کردیم ، سیاسی مردم و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی فشار "دادگاه انقلاب" بر نشریه "کار" که ـ دمکراتیک خلق‌های ایران داشته است بدون تاکنون حقایق زیادی را به اطلاع مردم ایران شک خدمت به امپریالیسم و متحدان داخلی آن رسانیده و نقش مهمی‌در آگاه کردن توده‌ها و است.

خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم و متحدان ما بار دیگر مردم مبارز میهنمان را به قضاوت داخلی آن داشته است ، بیش از هر زمان دیگر می‌گیریم و می‌پرسیم آیا کسانی که نشریه "کار" افزایش یافته بود. را غیر قانونی اعلام می‌کنند و از آگاه شدن مردم

در آن زمان ما تاکید کردیم که سانسور و می‌هراسد به چه کسانی خدمت می‌کنند؟ تحریف اخبار و حقایقی که باید به اطلاع مردم مسلم است که توطئه‌های امپریالیسم و ایران برسد ، توقیف روزنامه‌های ترقیخواه به متحدان داخلی آن در شرایط بی‌خبری مردم و در ویژه نشریه "کار" که نقش مهمی در خنثی جو سانسور و تحریف حقایق طرح و تکوین کردن توطئه‌های ضد انقلاب و افزایش آگاهی‌های می‌یابد. امپریالیسم و متحدان داخلی آن وقتی حدایی فاش‌شود و مردم به آگاهی کافی برسند هرگز نخواهند توانست مقاصد شوم خود را علیه مردم به اجرا در آورند. از این رو است که انقلابیون خلق در زیر فشار سانسور و توقیف مطبوعات ، همه دشواری‌ها را به جان خواهند خرید و نشریه "کار" بر دست های پرتوان کارگران ، دانشجویان ، دانش‌آموزان ، پرسنل انقلابی ارتش ، کارمندان ، پزشکان و معلمان فدایی در چهار گوشه میهن پیام‌آور آگاهی و پیام‌آور فردای پیروزی زحمتکشان خواهد بود.

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۴

دسیسه‌های ایادی امپریالیسم جهانی را علیه سازمان خنثی کنیم!

رفقا!

تبلیغات بی‌شرمانه و شایعات کینه‌توزانه علیه سیاست‌های سازمان که از جانب بورژوازی و شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم و جاسوسان سه جهانی اشاعه می‌یابد و توسط اپورتونیسم راست و چپ دامن زده می‌شود و هدفی جز کاهش اعتبار سازمان، تضعیف جنبش کمونیستی و منفعل ساختن و سرخورده کردن عناصر پر شور و انقلابی جنبش را دنبال نمی‌کند.

سرچشمه‌های این شایعات یعنی محافل وابسته به امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته خوب می‌دانند که صدها هزار انقلابی پر شور جنبش کمونیستی که حول محور سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گرد آمده‌اند، همواره آماده‌اند در هر لحظه که تاریخ میهنمان آنان را به اجرای نقش‌تاریخساز خود فرا خواند، در هر زمان که امپریالیسم بخواهد حکومت سرسپرده خویش را چه از طریق کودتا و یا طرق دیگر مستقر کند، دست به مقاومتی تاریخساز علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن بزنند. از همین رو است که شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم و محافل سرمایه‌داری وابسته آگاهانه تلاش دارند با پخش شایعات علیه سیاست‌های سازمان، با تلاش مذبوحانه در وابسته جلوه دادن سازمان به نیروهای خارج‌از مرزهای میهن، با وارد کردن شوخی‌های مبتذل در مباحث جدی سیاسی و اشاعه فرهنگ مبتذل لطیفه‌پراکنی علیه سازمان، تشکل عظیم سازمان فدایی را تضعیف کنند.

ما با آگاهی از این تلاش‌های امپریالیسم و ایادی داخلی آن در پیام ۸ تیر چنین گفتیم:

هم میهنان مبارز!

در هفته‌های اخیر، همزمان با افزایش تلاش‌های ما برای استقرار صلح در کردستان که برای وحدت ضد امپریالیستی خلق‌های ایران ضروری است شبکه‌های جاسوسی رسمی و غیر رسمی امپریالیسم امریکا خصوصا "حزب رنجبران" به تبلیغات و شایعات بی‌شرمانه‌ای علیه سازمان پرداخته‌اند.

این محافل که از تعمیق و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها و به خطر افتادن منافع امپریالیسم جهانی سخت به وحشت افتاده‌اند، می‌کوشند به شیوه‌های پلیسی و یاوه‌سرائی‌هائی که دستگاه شاه سالها مبلغ آن بوده است، سازمان ما را که همواره به نیروی خلق کبیرمان متکی بوده و خواهد بود، وابسته به نیروهای خارج از ایران وانمود سازند. تبلیغات و اقدامات رذیلانه این محافل که از جانب فرصت طلبان‌چپ و راست نیز دامن زده می‌شود، همگی عزم انقلابی ما را در مبارزه به خاطر استقلال کامل میهنمان ایران و در راه آرمان طبقه کارگر راسخ‌تر خواهد ساخت.

بگذار دشمنان طبقه کارگر آخرین حربه‌های شناخته شده خود را هم به کار گیرند. بگذار بازهم یاوه‌سرائی کنند. سیل تبلیغات و شایعات پوچ و دروغین آنان علیه انقلابیون کمونیست حقیرتر از آن است که چیزی از اعتبار و حقانیت جنبش کمونیستی ایران بکاهد. این تبلیغات زبون‌تر از آن است که انقلابیون کمونیست، فدائیان خلق را به انفعال بکشاند. این تلاش‌های آنان بیش از همه نمایشی است از صحنه مرگ محتومشان که جبر تاریخ است. این واقعیت ما را در انجام وظایف تاریخی خویش شور و امید باز هم بیشتری بخشیده است.

آگاهی کامل به این روش‌های تخریبی امپریالیسم و ایادی داخلی آن و مقابله و خنثی کردن آن امروز اهمیت بسیار یافته است. طرح کودتای امریکایی اخیر به خوبی نشان داد که تضعیف پایگاه توده‌ای سازمان ما و منفعل ساختن عناصر پر شور جنبش کمونیستی تا چه اندازه برای اجرای مقاصد شوم امپریالیسم امریکا و نوکران داخلی آن که در صددند رژیم سرسپرده خود را در ایران به قدرت رسانند، در خور اهمیت است

ما از همه هواداران سازمان می‌خواهیم که هوشیارانه چهره محافلی را که تلاش دارند با تضعیف نیروهای انقلابی و به انفعال کشاندن عناصر پر شور و انقلابی جنبش، زمینه شکست انقلاب و به قدرت رسیدن سرسپردگان امپریالیسم امریکا را فراهم کنند، رسوا سازند و اقدامات و شایعات بیشرمانه آنها را خنثی کنند.

گرامی باد خاطرهٔ مبارزات درخشان و خونین نفتگران ۲۳ تیر

در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک توده‌های میهن ما، جنبش کارگری ایران همواره سنگری آشتی ناپذیر و استوار بوده و در جنبش کارگران ایران نیز به نوبه خود حماسه‌آفرینی‌های نفتگران قهرمان سنگر مقدم این پیکار بوده است، که جمعبندی تجارب خونبار آن گرانبهاترین آموزش‌های اتحاد و مبارزه پرولتاریای ایران را در بر دارد. جنبش کارگری ایران با سقوط دیکتاتوری رضا شاه و گسترش آزادی‌های دمکراتیک، زمینه‌و بستر مناسبی برای بسیج و تشکل نیروهای خویش یافت و در پی آن سنت‌های نوین مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران، پس از گسستی پانزده‌ساله جان گرفت. آگاهی و تشکل رو به گسترش کارگران، در سازماندهی مبارزات اقتصادی (افزایش دستمزدها، بهبود شرایط کار، کاهش ساعات کار روزانه و پرداخت حقوق ایام تعطیل و ...) و مبارزات سیاسی (مبارزه بر علیه حکومت استبدادی و دخالت شرکت استعماری نفت انگلیس در امور سیاسی ایران و...) تجلی یافت.

جنبش کارگری ایران طی این سالها آنچنان گسترش یافت که از دل آن‌صدها حرکت و مبارزه انقلابی خود انگیخته کوچک و بزرگ جوشید. مرکز ثقل این جنبش عمدتا مبارزات کارگران نفت بود و نفتگران پرچمداران واقعی جنبش کارگری بوده‌اند آنان ستم استعماری و استثمار و غارت امپریالیستی را بطور روزمره و بلاواسطه درک می‌کردند. اولین اعتصابات کارگری نفت، علاوه بر اهمیتش به مثابه نقطه تحولی در جنبش کارگری ایران، در عین حال بارقه نوینی از مبارزات ضد استعماری مزدم ایران بود که بعدها با ملی کردن صنعت نفت در دوره مصدق، اعتلاء یافت.

نقطه اوج مبارزات کارگری در این سالها اعتصاب نفتگران آبادان و آغاجاری در اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۵ و به ویژه اعتصاب خونین و حماسه آفرین ۲۳ تیر همان سال بود.

در ۱۳ تیرماه سال ۲۵، شش هزار تن از کارگران نفت آبادان با خواست اجرای قانون کار، دست به اعتصاب زدند. شرکت نفت انگلیس از قبول این خواست سرباز زد و به زودی موج اعتصاب سراسر مناطق نفت خیز را فرا گرفت. در ۲۲ تیر ماه، اتحادیه کارگران نفت طی اعلامیه‌ای خواست‌های سیاسی کارگران را به شرح زیر اعلام کرد:

" برکناری و اخراج مصباح فاطمی استاندار خوزستان خلع سلاح اتحادیه عشایر خوزستان، منع شرکت نفت انگلیس از مداخله در امور سیاسی ایران، تبدیل شرکت نفت به یک شرکت خالص تجاری، منحل شدن اداره خدمات سیاسی (جاسوسی انگلیس) و اخراج سران آن از ایران اجرای کامل قانون کار".

در پی اعلام خواست‌ها، کمیته اعتصاب از ساعت ۶ صبح ۲۳ تیر اعلام اعتصاب نمود. نفتگران مبارز با اعلام خواست‌های انقلابی و توسل به سلاح اعتصاب عمومی به مقابله با امپریالیسم انگلیس و حکومت وابسته به آن برخاستند. دولت اعتصاب را غیر قانونی دانسته و در سراسر خوزستان اعلام حکومت نظامی کرد. امپریالیسم انگلیس با اعزام ناوگان جنگی و نیروی نظامی خود به آبهای خلیج فارس دست به قدرت نمائی زد. فرمانداری نظامی با همدستی اتحادیه عشایری خوزستان، دست به سرکوب کارگران اعتصابی زد و نبرد نابرابر کارگران با مزدوران تا نیمه‌های شب ادامه یافت. مقاومت دلیرانه نفتگران، ۴۷ شهید و ۱۷۳ تن مجروح به جا گذاشت و در پی آن کارگران و زحمتکشان سراسر ایران نسبت به این کشتار وحشیانه دست به اعتراض زدند. دولت ارتجاعی و مزدور قوام برای غلبه بر بحران سیاسی و تحکیم قدرت استعماری انگلیس، هیئتی مرکب از چند تن از مزدوران دولتی و نمایندگان " شورای متحده مرکزی" (رضا راد منش و جودت از زهبران حزب توده) را به جنوب فرستاد تا به خواست‌های اعتصابیون "رسیدگی" کند و در واقع سلاح اعتصاب عمومی را از چنگ کارگران به در آورده به خلع سلاح سیاسی کارگران بپردازد. این هیئت با توسل به عوامفریبی و ترغیب تسلیم طلبی و همچنین با وعده رسیدگی به خواست‌های کارگران، موفق شد به اعتصاب عظیم نفتگران پایان دهد و پایه‌های متزلزل حکومت قوام و شرکت نفت انگلیس را بیش از پیش مستحکم سازد. در پی فرو نشاندن اعتصاب، دولت قوام و شرکت نفت انگلیس به‌جای تعهد به وعده‌های واهی هیئت مذکور به دستگیری و همچنین اخراج رهبران اتحادیه کارگری و تعداد زیادی از اعضای اتحادیه پرداختند و به این ترتیب بزرگترین موج مبارزاتی جنبش کارگری و ضد امپریالیستی ایران (در دهه ۲۰) با ۴۷ شهید و دهها مجروح فرو نشست.

اعتصابات خونین ۲۳ تیر می‌توانست حاوی درس‌های بسیار ارزنده و موثری برای جنبش کارگری جوان ما باشد ولی رهبری رفرمیست "حزب توده" مانع از آن شد که آموزش این درس‌ها آنچنان تعمیق یابد که ارزیابی نوین از توازن نیروها، از توان پرولتاریا و متحدان و همچنین دشمنانش صورت گیرد و ضرورت سازمانگری انقلابی پرولتاریا در رابطه با تئوری خلاق به درستی تحلیل شود و به ویژه اهمیت نقش عنصر رهبری (رهبری‌ای واقعا پرولتری و انقلابی که شایسته اعتماد توده‌ای کارگران بوده و شرط ضروری پیروزی مبارزات انقلابی کارگران است) مورد ارزیابی قرار گیرد. "حزب توده" که رهبری اتحادیه‌های کارگری آن دوره را بر عهده داشت، در بحبوحه اعتصابات ۲۳ تیر خود را برای شرکت در کابینه ارتجاعی قوام آماده می‌کرد و آنچنان مجذوب مانورهای دیپلماتیک قوام (مذاکراتش با دولت شوروی و مسئله نفت شمال و ...) بود که عاجز از درک ماهیت ضد خلقی دولت قوام بود. و به جای آنکه سازمانگر مبارزات انقلابی توده کارگران باشد،

بقیه در صفحه ۱۲

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۸
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۵
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
کار

گرانی درد بی درمان سرمایه‌داری وابسته!

گرانی دم‌افزون کالاها، کارگران و زحمتکشان میهن ما را هر روز تحت فشار شدیدتری قرار می‌دهد.

نزدیک به سه‌میلیون کارگر و زحمتکش ایرانی بیکارند و ممری برای گذران زندگی خود و خانواده‌شان ندارند. قیمت کالاهای ضروری هر روز گران‌تر می‌شود و بار گذران زندگی را برای کارگران و زحمتکشان سنگین‌تر می‌کند.

این گرانی خانمانسوز از کجا ریشه می‌گیرد و بیش از همه بردوش چه قشرهائی سنگینی می‌کند؟ چه کسانی از این گرانی بهره می‌برند؟ چگونه است که سیاست‌های دولت در ۱۶ ماه گذشته به جای آنکه از شدت تورم بکاهد، پیوسته بدان دامن زده‌است؟ آیا می‌توان بدون آنکه نظام سرمایه‌داری وابسته را واژگون کرد، بر غول بحران فائق آمد؟

در این مقاله ما سعی خواهیم کرد ریشه‌های گرانی همه‌جانبه و فزاینده کالاها (تورم) را بجوئیم و ببینیم که تورم جزء جدائی ناپذیر نظام سرمایه‌داری وابسته است. همچنین نشان خواهیم داد که تورم عنان گسیخته عارضه‌ای است که (همراه با بیکاری)، در پروسه مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای تحت ستم در اقتصادهای وابسته‌ای چون اقتصاد ایران شدت می‌گیرد و این یکی از حربه‌هائی است که امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا، برای مقابله با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان از آن بهره می‌جوید. در این راه بورژوازی انحصاری و غیر انحصاری با همدستی با امپریالیسم و با دامن زدن به عارضه خانمانسوز تورم می‌کوشد در ضمن کسب سودهای هنگفت، کارگران و زحمتکشان را که بار سنگین تورم، ناگزیر بر دوش آنها می‌افتد، تحت فشار قرار دهد و بدین ترتیب مذبوحانه می‌کوشد تا راهی برای سازش و تسلیم هموار سازد. علاوه بر این نشان خواهیم داد که سیاستهای کجدار و مریز دولت موقت بازرگان که در جهت تثبیت سرمایه‌داری وابسته ایران بود نه تنها از تب داغ تورم نکاست بلکه به حدت و شدت آن افزود. تعلل و مدیونه فاضله گرائی بنی‌صدر نیز راه به جائی نبرده است. تورم همچنان بیداد می‌کند و آن را نه با پند و اندرز، نا با شلاق زدن خرده‌فروشان و مغازه‌داران که خود تحت فشار سرمایه‌های وابسته قراردارند نه با ترسیم خطوط نظامی تخیلی بر آسمانهای بی‌انتهای خیال‌پردازان می‌توان چاره‌کرد. راه چاره تورم و دیگر عوارض سرمایه‌داری وابسته ایران در محو و نابودی این نظام است نمی‌توان هم روابط سرمایه ـ داری را بی‌خدشه حفظ کرد و هم امیدوار بود که سرمایه‌داران بر سر "عقل" آیند و "ارزان‌فروشی" کنند!

> *تورم همچنان بیداد می‌کند و آن را با پند و اندرز، با شلاق زدن خرده‌فروشان و مغازه‌داران و با ترسیم خطوط نظامی تخیلی بر آسمان بی انتهای خیال ـ پردازان نمی‌توان چاره کرد.*

وابستگی و تورم

در نظام سرمایه‌داری که تولید نه برای مصرف بلکه برای کسب سود سرمایه ـ داران است، تورم یعنی افزایش همه جانبه قیمتها، پدیده‌ای است عمومی. اگر در سرمایه‌داری پیش از انحصارات، تورم به صورت ادواری بروز می‌کرد و در دوران‌های رکود اقتصادی قیمتها رو به کاهش می‌نهاد، در مرحله انحصاری سرمایه‌داری، تورم پدیده‌ای است پایدار که در دوران رونق و نیز در دوران رکود و بیکاری گسترده، کارگران و زحمتکشان را تحت فشار هرچه بیشتری قرارمی‌دهد. انحصارها که کنترل قیمت‌ها در بازار را به علت موقعیت انحصاری در اختیار دارند، حتی به هنگام کاهش تقاضا در بازار برای حفظ سودشان به قیمت‌ها می‌افزایند.

نظام سرمایه‌داری وابسته با اتکائی که بر سرمایه‌های انحصاری مراکز امپریالیستی دارد و به علت سمت‌گیری آن در جهت تامین منافع این سرمایه‌ها و سرمایه‌های وابسته داخلی، نه تنها تورمی را که در کشورهای امپریالیستی وجود دارد به صورت تشدید شده‌ای از طریق مکانیسم قیمتها در بازار جهانی سرمایه‌داری و توسط شبکه ارتباطات شرکتهای انحصاری امپریالیستی به نظام سرایت می‌دهد بلکه در درون آن نیز مکانیسم‌هائی وجود دارد که این تورم را تشدید می‌کند. بدین ترتیب است که می‌بینیم نرخ تورم در کشورهای تحت سلطه به مراتب بالاتر از نرخ تورم مراکز امپریالیستی است. طبق برآورد اخیر "صندوق بین ـ المللی پول" میانگین نرخ تورم در کشورهای سرمایه ـ داری امریکای شمالی، اروپا و ژاپن در سال جاری ۱۴ و در کشورهای تحت سلطه ۳۰% تخمین زده شده است.

انحصارات وابسته عظیمی که در اقتصاد کشورهای وابسته به فعالیت مشغولند، با کنترلی که به علت موقعیت انحصاری بر بازار دارند، و در حفاظ سیاستهای حمایتی که دولتهای وابسته برای آنها فراهم ساخته است، هر روز قیمتها را افزایش می‌دهند تا بخش عظیم‌تری از محصول ملی را تصاحب کنند. بدین ترتیب با کاهش مزد واقعی کارگران و درآمد واقعی زحمتکشان نرخ استثمار در جامعه به نفع سرمایه‌های انحصاری وابسته افزایش می‌یابد.

دولتهای وابسته که تمامی هم خود را برای تسهیل رشد و باز سازی سرمایه وابسته و تامین منافع امپریالیستی به کار می‌برند، سیاستهائی را دنبال می‌کنند که تورم زاست مهم‌ترین این سیاستها سیاست بودجه و سیاست پولی و اعتباری است.

بودجه این دولتها بخش عظیمی از درآمد ملی را به خود اختصاص می‌دهد. در سال ۱۳۵۶، ۵۲% از درآمد ملی صرف‌مخارج دولت وابسته شاه شده‌بود. تنها بخش‌ناچیزی از بودجه دولت

> *چاره تورم، گرانی، بیکاری و دیگر عوارض سرمایه‌داری وابسته ایران در محو و نابودی این نظام است!*

وابسته از محل مالیاتها تامین می‌شد. دلیل آن روشن است. در آمد کارگران و زحمتکشان به حدی نیست که دولت بتواندمخارج هنگفت خود را از طریق گرفتن مالیات از این قشرهای محروم اجتماعی تامین کند و در ماهیت دولت وابسته نیز نیست که از سرمایه‌داران مالیاتهای سنگین بگیرد. بدین ترتیب است که می‌بینیم در ایران بارسنگین مالیاتها بر عهده کارگران و زحمتکشان بوده است. (در سال ۱۳۵۶ تنها در حدود ۱۶% از مالیاتها را مالیات بر شرکتهای خصوصی، مالیات بر بهره، مستغلات و ثروت تشکیل می‌داده است) و مجموع مالیاتها تنها نزدیک به ۲۰% از مخارج دولت را تامین می‌کرده است. ۷۴% از درآمد دولت در سال ۱۳۵۶ توسط فروش نفت خام به شرکتهای انحصاری نفتی جهان تامین می‌شد.

واضح‌تر بگوئیم دولت وابسته شاه بودجه هنگفتی در اختیار داشت که در مقابل بخش عظیمی از آن که از طریق فروش نفت خام تامین می‌شد، چیزی در اقتصاد ایران تولید نمی‌شد، خواه و ناخواه بخش عمده‌ای از این درآمد بطور مستقیم توسط دولت، یا غیر مستقیم توسط بخش خصوصی صرف خرید واردات و پرداخت سود، بهره و حقوقهای کلان به شرکتهای انحصاری کشورهای امپریالیستی می‌شد اما در این گذر نیز تورمی گسترده و فزاینده اقتصاد را فرا میگرفت. بخش مهمی از بودجه دولت که صرف "مخارج جاری" می‌شد اساسا برای پرداخت به دستگاه عریض و طویل ارتش، پلیس، امنیتی و اداری بود. بخش دیگر بودجه عنوانی فریبنده داشت و مخارج "عمرانی" خوانده می‌شد. هرچند قسمتی از بودجه "عمرانی" صرف ایجاد تاسیسات زیر ـ بنائی درجهت تامین نیازهای رشد سرمایه‌داری وابسته می‌شد، قسمت عمده آن برای ایجاد پایگاه‌های نظامی و جاده‌ها، فرودگاهها و بنادری که اساسا کاربرد نظامی داشتند، مصرف میشد اینها همه مخارج تورم‌زا هستند زیرا بدون این که ظرفیت تولیدی را گسترش دهند، درآمدهای کلان برای قشرهای وابسته فراهم می‌آورند. این درآمدها تبدیل به تقاضای موثر برای کالاها در بازار می‌شود و به انحصارات این امکا ن را می‌دهد که بر قیمت کالاهای خود بیفزایند.

همانطور که گفتیم اینها عواملی است که بر تورم وارداتی از کشورهای امپریالیستی افزوده می‌شود و تورمی شدیدتر را در کشورهای تحت سلطه به بار می‌آورد که نتیجه آن گرانی فوق‌العاده مایحتاج عمومی است. طبق آمار رسمی شاخص قیمت‌ها برای سالهای ۱۳۵۵ ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نسبت به سال ۱۳۵۳ به ترتیب: ۲۸/۱%، ۶۰/۲% و ۷۴/۸% افزایش یافته است. بدیهی است ارقام رسمی نرخ تورم را کمتر از آنچه بود، می‌نمود و نرخ تورم در این سالها در ایران بیشتر از اینها بود.

ادامه دارد

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۶

خاطره رفقای فدائی
کامران رضوانی و سیاوش حمیدی گرامی باد

خبر رسید که رفقا کامران رضوانی و سیاوش حمیدی در اثر ریزش ساختمان به شهادت رسیدند. نمی‌توانستیم باور کنیم. برای آنها که سیاوش و کامران را از نزدیک می‌شناختند باور کردن این حادثه بسیار مشکل بود.

کامران و سیاوش از بهترین رفقای دفتر مهاباد بودند، کامران از اعضای فعال کمیته کارگری و سیاوش مسئول کمیته انتشارات بود. این رفقا از آغاز فعالیت‌های علنی در کردستان تاکنون بطور آشتی‌ناپذیری در سنگر فدائیان خلق با دشمنان خلق به مبارزه برخاستند و در نبرد برای رهائی کارگران و زحمتکشان لحظه‌ای نیاسودند.

در میان کارگران مهاباد کمتر کسی است که کامران را نشناسد. او برای زحمتکشان چهره‌ای استثنایی است. کامران در بیشتر تظاهرات و حرکات اعتراضی کارگران مهاباد که برای کسب حقوق از دست رفته خویش انجام می‌دادند، فعالانه شرکت می‌کرد. رفیق کامران با همه جوانیش در برخورد با زحمتکشان بسیار متین و شکیبا بود. رفیق برای آموختن، عطش سیری ناپذیری داشت. او همواره می‌خواست بداند که چگونه باید کارگران و زحمتکشان را متشکل کرد تا آنها بتوانند نقش تاریخی خود را در انقلاب ایفا نمایند.

رفیق کامران جوان‌ترین عضو کمیته کارگری دفتر مهاباد بود. رفیق اخیرا دوره دبیرستان را به پایان رسانده بود و از اینکه می‌توانست از آن پس تمام وقت خود را در سنگر فدائیان خلق و در خدمت آگاهی دادن، سازماندهی و تشکل زحمتکشان قرار دهد بسیار خوشحال بود. امروز غمی سنگین بر قلب کارگران مهاباد سایه افکنده است. چرا که کامران دیگر در میان آنها نیست. از اندوه عمیقی که کمیته کارگری و همه رفقای دیگر را در بر گرفته است و از قیافه‌های رنج‌دیده و سوخته کارگران کوره‌پزخانه‌ها به خوبی می‌توان غم از دست رفتن رفیق کامران را احساس کرد. سیمای مهربان و قلب بزرگ کامران همواره در خاطره‌ها خواهد ماند. کسانی که حتی یک بار به دفتر فدائیان در مهاباد آمده باشند بی شک سیاوش را دیده‌اند. او در انتشارات دائما مشغول بود. شب و روز کار می‌کرد. خستگی نمی‌شناخت. رفیق سیاوش به قدری در انجام وظایف سازمانی‌اش غرق بود که گاهی چند ماه به خانه‌شان سر نمی‌زد و بسیاری شب‌ها را در همان اطاق کوچک انتشارات به صبح می‌رساند. رفقا همواره او را به خاطر اینکه کمتر به خانواده‌اش سر می‌زد مورد انتقاد قرار می‌دادند و او با مهربانی این انتقاد را می‌پذیرفت رفیق پشتکار عجیبی داشت. نام "سیاوش" همواره در دفتر طنین انداز بود: رفیق سیاوش کار آمده؟ رفیق سیاوش کمیته شهرستان را فرستاده‌ای؟ رفیق سیاوش امروز خبرنامه را در محلات کارگر نشین خوب پخش کرده بودی؟

و او همه این کارها را با عشق و علاقه بی‌نظیری انجام می‌داد. اطاق انتشارات همیشه شلوغ بود و روی میز سیاوش همیشه پر بود از اعلامیه‌ها و نشریات سازمان و لبخند گرمی که به لب داشت نشان می‌داد که هیچگاه خسته نمی‌شود.

ما راه پر افتخار رفقای فدائی را دنبال می‌کنیم. ما همچنان در راه رهائی کارگران و زحمتکشان به جان خواهیم کوشید. ما به مبارزه بی‌امان با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و وابستگانش همچون گذشته ادامه خواهیم داد.

آری! این بزرگترین گرامیداشت برای همه شهدای فدائی است. سرانجام پرچم سرخ کارگران و زحمتکشان در سراسر میهنمان برافراشته خواهد شد و نام کامران و سیاوش همچون ستاره سرخ بر تارک مبارزات زحمتکشان خواهد درخشید.

یاد همه شهدای خلق گرامی باد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ـ مهاباد
۱۹ تیرماه ۱۳۵۹

ایادی امپریالیسم با انفجار بمب، میتینگ فدائیان خلق در مهاباد را به خون کشیدند

به‌دعوت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ـ دفتر مهاباد به مناسبت سومین روز شهادت فدائیان‌خلق کامران رضوانی، سیاوش حمیدی در میدان قاضی محمد میتینگی برگزار گردید. در ساعت ۷ بعد از ظهر همزمان با آغاز میتینگ در حالی که جمعیت انبوهی در میدان گرد آمده بود، در میان جمعیت بمبی با قدرت تخریبی زیاد منفجر گردید که در نتیجه ۸ نفر شهید و دهها نفر به شدت مجروح شدند.

تنها دشمنان سوگند خورده مردم، عمال مزدور امپریالیسم جنایتکار امریکا و رژیم فاشیستی بعث آنها که از آگاه شدن توده‌ها وحشت دارند، می‌توانند چنین جنایات بزرگی مرتکب شوند. آنها می‌خواهند کردستان همچنان در آتش جنگ برادرکشی بسوزد تا منافع کثیف اربابانشان تامین گردد.

اکنون بیش از یک ماه است، یک سلسله عملیات بمب گذاری توسط ضد انقلاب در مهاباد صورت می‌گیرد ولی تاکنون این بمب‌گذاری‌ها از آنجا که در اواخر شب و اغلب در اماکن و محل‌های خالی از سکنه صورت گرفته تلفات جانی نداشته است و این اولین بار است که در مهاباد گردهمائی مردم اینچنین مورد هجوم ددمنشانه ضد انقلاب جنایتکار قرار می‌گیرد.

مگر ما در مراسم یادبود فدائیان شهید کامران رضوانی و سیاوش حمیدی چه می‌گفتیم که این جنایتکاران، چنین از آن در وحشت و هراسند. چرا در سرتاسر ایران هر روز تعداد بیشتری از رفقای ما به خاک و خون کشیده می‌شوند و چرا دشمنان مردم، فدائیان خلق را سرسخت‌ترین دشمنان خود می‌دانند؟ و هر روز به توطئه و جنایت جدیدی علیه ما متوسل می‌شوند.

دلیل آن بسیار روشن است. زیرا امروز در سرتاسر میهن نبردی سرنوشت ساز میان انقلاب و ضد انقلاب درگرفته در صف انقلاب تمامی مردم زحمتکش و مبارز ایران و نیروهای انقلابی و ترقیخواه و شخصیت‌های ضد امپریالیست قرار دارند و در جانب ضد انقلاب کسانی قراردارند که انقلاب مردم منافع پلید آنان را با خطر نابودی مواجه ساخته و آنها جهت احیای سلطه ننگین امپریالیسم جنایتکار امریکا از هیچ جنایتی در حق‌مردم فروگذاری نمی‌کنند مزدورانی که در اهواز، آبادان و تهران به وسیله بمب گذاری در معابر عمومی و محل تجمع مردم دست به کشتار آنها می‌زنند، همان مزدورانی که هر روز کودتایی را علیه مبارزات ضد امپریالیستی مردم تدارک می‌بینند، این بار عمل ننگین خود را در شهر مهاباد، در میتینگ سازمان ما تکرار کردند.

آنها در کردستان همچون سایر نقاط ایران فدائیان خلق را بزرگترین دشمنان‌خود می‌دانند. زیرا ما در کردستان چهره کریه ضد انقلاب را افشاء می‌کنیم. زیرا ما همواره به مردم نشان می‌دهیم که عناصر و نیروهای ضد انقلاب در منطقه منافع خود را در این می‌بینند که جنگ برادر کشی در کردستان همچنان ادامه یابد. آنها تلاش ما به خاطر برقراری صلح در کردستان‌و افشای ضدانقلاب را مانعی در راه وصول به اهداف پلید خود می‌دانند و می‌کوشند از طریق دامن زدن به محیط متشنج و ناامنی آتش جنگ برادرکشی را همچنان زنده نگاه دارند. ایجاد حس ناامنی و محیط رعب و وحشت، همه‌شیوه‌هائی‌است که‌مزدوران و ایادی امپریالیسم جنایتکار امریکایی به خاطر رسیدن به نیات خود از آن استفاده می‌نمایند.

فدائیان خلق در کردستان ضمن دفاع اصولی از حقوق عادلانه خلق کرد تمام توان‌خود را جهت برقراری صلح در کردستان به کار گرفته‌اند. ما می‌دانیم که ادامه جنگ در کردستان به دشمنی و خصومت میان مردم ایران دامن زده و مردم ما را از مبارزه با دشمن اصلی یعنی امپریالیسم جنایتکار امریکا باز می‌دارد و به عمال و ایادی امپریالیسم و رژیم بعث عراق امکان می‌دهد تا زیر پوشش دفاع از حقوق مردم در کردستان خود را پنهان نمایند.

آنها اکنون در کردستان فدائیان خلق را دشمن اصلی‌سیاست‌های ضد مردمی خود می‌دانند و از هیچ جنایتی علیه ما خود داری نخواهند نمود! از جانب دیگر رژیم جمهوری اسلامی علیرغم نیات صلح طلبانه نیروهای انقلابی و ترقیخواه در کردستان ضمن عدم تائید حقوق عادلانه خلق ما سیاست لشکر کشی خود به کردستان را همچنان ادامه می‌دهد. این سیاست

بقیه در صفحه ۷

فاجعه مهاباد و فرصت طلبی «حزب توده»

ارگان مرکزی "حزب توده" مورخ دوشنبه ۲۳ تیرماه تحت عنوان "جنایت تازه ضدانقلاب در کردستان" نوشت:

"سازمان چریکهای فدائی خلق که با موضع‌گیری مثبت و صحیح اخیر خود در مورد مسئله کردستان، در مقابل اهداف خائنانه جبهه ضدانقلاب و در کنار نیروهای مترقی و انقلابی خلق کرد، چون حزب‌توده‌ایران... قرار گرفته است، چنین آماج توطئه و هجوم ضد انقلاب قرار می‌گیرد و میتینگ وی به خاک و خون کشیده می‌شود"

روزنامه "مردم" در این عبارات محیلانه کوشش کرده‌است:

۱ـ "حزب‌توده‌ایران" را که فاقد هرگونه پایگاه توده‌ای و اعتبار و نفوذ سیاسی در کردستان است، به عنوان یکی از نیروهای سیاسی خلق کرد معرفی کند.

۲ـ در ادامه سیاست مغرضانه و خود بینانه "توده‌ایها"، سازمان ما را نیروی سیاسی که تازگی به صف خلق پیوسته است معرفی کند. این سیاست عملا در خدمت دشمنان سوسیالیسم و جنبش کمونیستی ایران قرار دارد و مضمون اساسی آن بی‌اعتبار ساختن سوابق انقلابی سازمان ما است.

۳ـ با یکسان نشان دادن سیاست سازمان با سیاست‌های رفرمیستی خود از حیثیت و اعتبار سیاسی سازمان استفاده کند، زیرا "حزب‌توده" می‌اندیشد با این تبلیغات قادر خواهد شد که از پایگاه توده‌ای در میان خلق کرد برخوردار شود.

۴ـ تبلیغات "حزب‌توده" علیه نیروهای ملی و مردمی خلق کرد، راه را برای ادامه عملیات ارتش در کردستان باز گذاشته و عملا در خدمت حفظ موجودیت این نهاد ضدانقلابی قرار دارد و برای آن حقانیت و اعتبار کسب می‌کند. این سیاست بنا به شواهد عینی در پوشش صلح خواهی، در خدمت تداوم جنگ برادر کشی در کردستان قرار دارد.

درود بر شهدای ۸ تیر ـ درود بر همه شهدای خلق

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۷

کودتا
با شرکت فعال پرسنل انقلابی
ارتش درهم شکسته شد!

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، نخستین بار خبر تدارک یک کودتای بزرگ علیه جمهوری اسلامی ایران را در "کار" ۶۱ مورخ چهارشنبه ۱۴ خرداد به آگاهی مردم رساند. ما در آن تاریخ زیر عنوان " فرماندهان ارتش در فکر کودتا هستند" مرکز عملیاتی کودتا را با معرفی فرمانده پادگان نوژه به اطلاع مردم رساندیم و اعلام کردیم که اجرای کودتا به دلایلی به فرصت مناسب‌تری موکول شده است.

پرسنل انقلابی در تاریخ ۱۵ تیرماه پس از کشف پیامی که اظهار می‌داشت " درموقع عملیات عناصر پاسدار و انقلابی را شناسائی و بلافاصله قتل عام کنید" از اجرای قریب الوقوع کودتا آگاهی می‌یابند.

به دنبال آگاهی از اجرای قریب الوقوع کودتا ، پرسنل‌انقلابی به عناصر مسلح خود و گروه‌های ضربت آماده باش می‌دهد و سپاه پاسداران همدان و قزوین و سایر مقامات را در جریان واقعه قرار می‌دهند.

از روز ۱۶ تیرماه ۵۹ جاده بین همدان تا پایگاه و پایگاه تا سه‌راهی ساوه تحت کنترل پاسداران قرار می‌گیرد.

در روز حادثه ۱۸ تیرماه ۵۹، ۲۰۰ افسر و درجه‌دار فراری رژیم شاه که عمدتا از نیروی مخصوص و گارد شاهنشاهی بودند با تدارکات و تجهیزات کافی در اطراف پایگاه مستقر می‌شوند. طبق اطلاعاتی که در دست داریم قرار بوده است که بیش از صد نفر از پرسنل درون پایگاه به مهاجمین کمک کنند.

در همین زمان کامیون حامل مهمات مهاجمان ، نزدیک پاسگاه پلیس راه شناسائی شده و توسط پاسداران در حوالی "کوری جان" در محاصره قرار می‌گیرد. در گیری پاسداران با مهاجمین منجر به کشته شدن ۷تن و دستگیری حدود ۳۰ نفر می‌گردد.

عملیات شناسائی و دستگیری مزدوران و در هم شکستن شبکه کودتاگران در تهران نیز ، با شرکت فعال پرسنل انقلابی ، سپاه پاسداران و افراد کمیته‌ها با موفقیت به انجام می‌رسد و به این ترتیب طرح کودتای بزرگی که با رهبری بختیار ، این نوکر بی اختیار امپریالیسم و فرماندهان مزدور ارتش جمهوری اسلامی سازمان یافته بود در هم شکسته می‌شود.

ایادی امپریالیسم ...

بقیه‌ازصفحه ۶

امروز عملا در خدمت تخریب دستاوردهای انقلاب ایران و مشخصا در خدمت امپریالیسم و ایادی آن قرار گرفته است. کسانی که در مجلس شورای اسلامی اعلام می‌کنند که حاضر به هیچگونه مذاکره با نیروهای سیاسی نخواهند بود و سیاست سرکوب را دنبال می‌کنند، همان وضعیتی را در منطقه ایجاد کرده‌اند که رژیم فاشیستی بعث خواهان آن است. سیاست سرکوب در کردستان از قبل محکوم به شکست است و تنها دشمنان انقلاب ایران از آن بهره‌برداری می‌نمایند.

نه توطئه‌گری و اعمال جنایتکارانه مشتی ضد انقلابی و نه سیاست‌های جنگ‌افروزانه دولت، هیچ یک نمی‌توانند فدائیان خلق را از مبارزه در راه پیروزی کارگران و زحمتکشان و خلقهای ستمدیده میهن بازدارد. ما با خون صدها رفیق فدائی و هزاران شهید به خون خفته خلق پیمان بسته‌ایم تا نابودی کامل امپریالیسم و ایادی آن و تا پیروزی کامل مردم از پای ننشینیم.

ما در خون رفقای شهیدمان و همه شهدای خلق هربار نیرومندتر از گذشته برخواهیم خاست.

بدنبال انفجار بمب در میتینگ سازمان، عناصری که دشمنی آنها با سازمان ما بر همه آشکار است، می‌کوشند از طریق پخش شایعات و سخنان بی‌پایه و اساس، به اعتبار سازمان در میان مردم لطمه وارد آورند. مگر می‌توان هزاران نفر را یک به یک مورد شناسائی قرار داد. همیشه این امکان برای ضد انقلاب وجود دارد که اجتماعات مسالمت آمیز توده‌ها را به خون کشد.

برای جلوگیری از این اعمال باید ریشه عناصر و نیروهای وابسته به امپریالیسم و بعث را نابود ساخت. اگر آنها امروز اجتماع فدائیان خلق را به خون می‌کشند ، بدین خاطر است که ضد انقلاب، وجود سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را با نابودی حتمی خود برابر می‌بینند.

ما ضمن تاثر عمیق و ابراز تسلیت به‌خانواده شهدای میتینگ سازمان ، از خلق قهرمان کرد ، بخصوص از مردم مبارز مهاباد می‌خواهیم در امر مبارزه با عوامل ضد انقلاب ما را یاری داده و هر گونه اطلاعی که از فعالیت این مزدوران دارند به ما اطلاع دهند.

اسامی پنج تن از شهدای میتینگ سازمان بدین شرح است:

۱ـ عبدالله استمری (کارگر).
۲ـ جعفر عبدالله پور (جوشکار ۱۲ ساله).
۳ـ رفیق حسن حسن زاده (عضو کمیته کارگری فدائیان‌خلق در دفتر بوکان).
۴ـ قادر فالای.
۵ـ محمد امین بهره‌ور.

اسامی سه شهید دیگر پس از معلوم شدن هویت اعلام خواهد شد.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا
نابود باد رژیم فاشیستی بعث عراق
برقرار باد صلح عادلانه در کردستان

سازمان چریکهای فدائی‌خلق ایران ـ شاخه کردستان
۲۱ تیرماه ۱۳۵۹

نامهٔ سرگشادهٔ ...

بقیه‌ازصفحه ۱۶

تهران ـ رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی ـ رونوشت ریاست جمهوری ـ رونوشت رئیس دیوان عالی کشور ـ رونوشت شورای انقلاب ـ رونوشت دادستان کل انقلاب ـ رونوشت روزنامه بامداد ـ رونوشت روزنامه انقلاب اسلامی رونوشت روزنامه اطلاعات ـ رونوشت روزنامه کیهان.

من کشتن پسرم آقای دکتر اسماعیل نری‌میسا در پشت درهای بسته دادگاه اهواز را شدیدا به علت عدم رعایت حقوق اسلامی و بشری محکوم می‌کنم و آن را توطئه‌ای علیه ایشان می‌دانم که بارها به وسیله تلگرام‌های متعدد به شما اعلام نمودم ولی شما هیچگونه توجهی بدان نکردید. من متحیرم که چرا محاکمه امثال دکتر اکمالی‌ها علنی است اما کشتن فرزند برومند من که جز خدمت به مردم کاری نکرده بود پشت درهای بسته صورت می‌گیرد و رادیو ـ تلویزیون جمهوری اسلامی ایران ـ اهواز ایشان را دکتر پریسا معرفی کرد. آیا این ترس از بردن اسم ایشان دلیل بی‌گناهی ایشان نیست؟ در این توطئه عناصری شرکت دارند که حال و وضعشان بر مردم شریف خوزستان‌پوشیده نیست. لذا از شما می‌خواهم دستور فرمائید پرونده ایشان به جمعیت حقوق‌دانان ارسال گردد. گرچه می‌دانم این تلگراف هم مانند تلگراف‌های دیگرم بی‌جواب خواهد ماند. من از روحانیت مبارز و ملت شریف ایران تقاضا دارم توجه خود را به این موضوع معطوف دارند.

من داد خویش را از داور متعال خواهم گرفت.

چراغعلی نریمی‌سا

اطلاعیه

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) ـ کرند غرب

خلق قهرمان ایران!
مردم زحمتکش کرند و حومه!

ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کرند غرب بارها و بارهاطی اعلامیه‌های متعددی خطر مهاجمات مزدور وابسته به امپریالیسم و پایگاه‌های داخلیشان را در پیشگاه مردم افشا نموده و به مقامات مسئول نیز در این مورد هشدار داده‌ایم. حمله چند روز اخیر مهاجمان را نیز که به‌شهادت تعداد زیادی پاسدار و روستایی زحمتکش انجامید با تمام وجود محکوم کرده و در اعلامیه‌ها و راهپیمائی‌های متعددی آمادگی خود را برای سرکوب آنها اعلام داشته‌ایم. بطوری که روزنامه اطلاعات (شنبه ۱۴ تیرماه) نیز خبر آن را منعکس نموده است. ولی متاسفانه روزنامه کیهان (شنبه۱۴ تیرماه) خبری را منتشر کرده مبنی بر این که اسناد به دست آمده در یکی از روستاهای اطراف کرند متعلق به هواداران سازمان فدائیان است که از شهر کرند گریخته‌اند .... ما این خبر جعلی و غیر واقعی را عملی در جهت مخدوش کردن چهره نیروهای انقلابی و دوستان واقعی مردم با ضد انقلابیون دانسته و آن را از جانب هر نیرویی چه ناآگاهانه و چه آگاهانه صورت گرفته باشد قویا محکوم نموده و آن را عملی در خدمت امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم جهانخوار امریکا و پایگاه‌های داخلیش می‌دانیم و بار دیگر آمادگی خود را جهت سرکوب ضد انقلابیون اعلام می‌داریم.

۱

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ـ کرند غرب
۱۶ تیرماه ۱۳۵۹

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۸

به مناسبت سالروز قیام ملی ۳۰ تیر

با اتحاد مردم امپریالیسم و ایادی آن را می‌توان شکست داد

خلق ایران سالهاست در پیکاری دلاورانه با امپریالیسم و ارتجاع می‌جنگد و در این پیکار شهیدان بیشماری به پیشگاه تاریخ تقدیم کرده و روزهای پرشکوه وخونینی آفریده است. سی‌ام تیرماه سال ۱۳۳۱ یکی از این روزهای خونین و پرشکوه است که در طی آن مردم ایران با فداکاری‌ها، از خود گذشتگی و قهرمانی‌های بیشماری نیروی عظیم خود رابه نمایش نهادند و باز هم این حکم بزرگ تاریخ را به اثبات رساندند که دشمنان مردم حقیرتر از آنند که یارای مقاومت در برابر نیروی متحد مردم را داشته‌باشند.

اکنون پس از ۲۸ سال که از قیام سی تیر می‌گذرد، باز هم مردم زحمتکش ایران در نبردی بزرگ بر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، روزهای دشواری را در پیش دارند. نبردی که حفظ اتحاد و یکپارچگی مردم، شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب و به کار گیری تمامی تجربیات گرانقدر مبارزات خلق ایران و خلق‌های سراسر جهان در آن اهمیت بسیار اساسی دارد. اکنون امپریالیسم جهانی و متحدین داخلی آن کوشش میکنند که جنبش ضد امپریالیستی را به انحراف کشانند و با فریب مردم صفوف آنها را از هم جدا سازند و یک بار دیگر جنبش انقلابی خلق‌را به شکست دچار سازند.

از این رو استفاده از تجربیات گرانقدری که به قیمت خون هزاران شهید به دست آمده بسیار ضروری است و در این میان تاریخ مبارزات مردم ایران برای ملی کردن نفت و نقطه اوج آن قیام سی ام تیر، برای ما بسیار آموزنده‌است، چرا که اکنون به روشنی می‌بینیم بسیاری از سیاست‌هایی که در آن زمان از طرف گروه‌های مختلف اتخاذ شد و در به شکست کشاندن مبارزات مردم موثر افتاد، امروز هم تکرار می‌شود و به مبارزات پرشکوهی که بر علیه امپریالیسم جریان دارد آسیب‌های جدی و جبران ناپذیر وارد می‌آورد.

قیام سی‌ام تیر به دنبال استعفای دولت ملی دکتر مصدق اتفاق افتاد.

در نبرد بزرگ امروز، حفظ اتحاد و یکپارچگی مردم، شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب اهمیت بسیار اساسی دارد.

مصدق که در مبارزه برای ملی کردن نفت همواره از جانب امپریالیسم و پایگاه‌های داخلی آن ـ بخصوص دربار پهلوی ـ مورد تهدید و فشار قرار داشت برای محدود ساختن قدرت نیروهای مخالف خود در خاکمیت تقاضای کنترل و به دست گیری مقام وزارت جنگ را که در دست شاه بود، کرد. شاه‌این تقاضای‌مصدق را نپذیرفت. مصدق استعفا کرد و قوام چهره منفور و عامل امپریالیسم انگلستان به نخست وزیری رسید. مردم که در طی دوران نخست وزیری مصدق کوشش اورا در جهت ملی کردن نفت و مبارزه با امپریالیسم انگلستان شاهد بوده و وی را چهره‌ای ملی می‌شناختند، دست به اعتراض زدند. روزهای ۲۶ تا ۲۸ تیر بازار (یعنی پایگاه عمده مصدق) و دکان‌ها تعطیل کردند. سی نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی (طرفداران مصدق) نیز پس از استعفای‌او ضمن بیانیه‌ای مردم را به تعطیل عمومی سراسر کشور در روز دوشنبه۳۰تیر دعوت کردند.

در چنین شرایطی حزب توده هنوز به دنبال سیاست "چپ" روانه خود، از آنجا که مصدق را عامل امپریالیسم امریکا می‌دانست، در برابر استعفای او با بی‌تفاوتی نوشت:

"نتیجه زد و خورد جناحین هیئت حاکمه ایران هر چه باشد پس از ۱۴ ماه یک بار دیگر این حقیقت با کمال وضوح به اثبات رسیده است که هیچ یک از جناحین و شخصیت‌های هیئت حاکمه ایران دوست ملت و هوادار منافع او نیستند."

(دژ، بجای بسوی آینده ۲۷تیر۳۱)

به این ترتیب حزب توده عملا مصدق را با قوام در یک ردیف قرار داده و سیاست دشمنی با او را ادامه داد. تنها در صبح ۲۹ تیرو پس از گسترش اعتصابات مردم بود که حزب توده قضیه را "جدی" گرفته و "جمعیت مبارزه با استعمار" که وابسته به آن بود طی اطلاعیه‌ای از نیروها و شخصیت‌های ضدامپریالیست از جمله مصدق و کاشانی برای تشکیل جبهه واحد ضد استعماری دعوت کرد. در عصر ۲۹ و صبح ۳۰ تیر نیز از طرف کمیته مرکزی حزب دستور شرکت در تظاهرات صادر شد، آن هم در شرایطی که بخشی از کادرهای حزبی خود به تظاهرات پیوسته بودند.

روزسی‌ام تیر مردم به خیابان‌ها ریختند، شرکت حزب توده از یک سو جنبه گسترده‌تری به قیام بخشید و از سوی دیگر با توجه به آشنایی برخی از کادرهای حزبی به فن نبردهای خیابانی و سازماندهی تظاهرات، مقاومت مردم دربرابر ارتش و نیروهای نظامی که به دستور قوام به مقابله با تظاهرکنندگان شتافته بودند، از کیفیت بهتری برخوردار شد.

با اوجگیری قیام، از یک سو ارتش و نیروهای نظامی به کشتار وحشیانه‌ای دست زدند و از سوی دیگر جناح راست جبهه ملی و "حزب زحمتکشان" متعلق به مظفر بقائی تمام کوشش خود را به کار بردند تا صفوف مردم را دچار پراکندگی و تفرقه ساخته و قیام را به شکست بکشانند. اما علیرغم تمامی این توطئه‌ها مردم در برابر تانک‌هایی که به مقابله با آنان آمده بودند، صفوف متحد خود را حفظ کردند. نزدیک به ۵۰۰ تن شهید شدند تا سرانجام قوام استعفا کرد و مصدق مجددا با نیروی مردم بر سر کار آمد.

تجارب قیام سی تیر به خوبی نشان می‌دهد که امپریالیسم و ارتجاع همواره مترصد حمله به جنبش انقلابی مردم و پایمال ساختن دستاوردهای آن می‌باشند. نخستین عمل قوام که به دستور شاه درراس دولت قرار گرفت، صدور اعلامیه شدیداللحنی بر علیه نیروهای انقلابی بود، که کوششی در جهت پایمال نمودن آزادی‌های سیاسی موجود ـ که تنها بر اثر حضور فعال زحمتکشان درصحنه سیاست به دست آمده بود ـ و برقراری دیکتاتوری که یکی از شروط ادامه سلطه غارتگرانه امپریالیسم بود، امپریالیسم و مرتجعین داخلی به این ترتیب کوشیدند تا از موقعیتی که بر اثر استعفای مصدق به دست آمده بود، استفاده کرده و جایای خود را هر چه بیشتر محکم کنند. اما قیام سی‌تیر آنان را به شکست و عقب نشینی مجبور نمود.

این پیروزی مردم، بدون شک نتیجه اتحاد عمل مشترک کلیه نیروهای انقلابی بود که جنبش خلق را از آنچنان قدرتی برخوردار ساخت که بتواند تهاجم امپریالیسم و مرتجعین داخلی را در هم شکند. این امر یکی از ویژگی‌های درخشان ۳۰تیر بود که در سرتاسر مبارزات دوران ملی شدن نفت تکرار نشد و هیچگاه نیروها و احزابی که هرکدام به نوعی درگیر مبارزه با امپریالیسم بودند نتوانستند جبهه متحدی را بر علیه دشمن مشترک تشکیل دهند. جبهه ملی و مصدق که عمدتا نمایندگان بورژوازی ملی ایران بودند و رهبری مبارزه را در دست داشتند، بنا به موقعیت خویش همواره نه تنها از نزدیکی با جنبش کارگری سر باز زدند، بلکه در برابر آن صف آرایی کرده و با سرکوبی مبارزات کارگری لطمات جبران ناپذیری به جنبش ضد امپریالیستی وارد ساخته و آن را به شدت تضعیف‌کردند. روش مصدق در برابر جنبش کارگری خشونت آمیز بود. در حالی که وی صف خود را هیچگاه از مرتجعین داخلی جدا نکرده و آنها را هدف حمله قرار نمی‌داد. عناصر امریکایی مثل‌زاهدی، امینی و دیگران همراه با عناصر دست راستی مثل کاشانی‌و بقایی با او در یک خط قرار می‌گرفتند، آنها از اعتبار مصدق بهره گرفته، به دروغ‌خود را دوستان مردم وانمود ساخته و بدینگونه صف دوستان و دشمنان انقلاب را مخدوش می‌ساختند. (امروز نیز با چنین پدیده‌ای در مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها روبرو هستیم، صفوف مردم و سازمان‌ها و احزاب ضد امپریالیست اکنون در حالت پراکندگی است و تمامی تلاشی که از طرف انقلابیون کمونیست و خصوصا فدائیان خلق برای متحد ساختن صف نیروهای انقلابی به عمل می‌آید مورد حملات کینه‌توزانه حزب جمهوری اسلامی قرار می‌گیرد. جمهوری اسلامی در دشمنی با نیروهای انقلابی و بخصوص کمونیست‌ها ـ یعنی آشتی ناپذیرترین دشمنان امپریالیسم جهانی ـ همان راهی را می‌رود که مصدق رفت، این راه ضربات مرگباری بر مبارزات توده‌ها وارد آورده و تنها به سود امپریالیسم و ارتجاع خواهد بود).

لازم به تذکر است که حزب توده نیز که در آن زمان از قدرت زیادی برخوردار بود، هرگز نتوانست مبارزه‌ای اصولی را برای‌جلب متحدین طبقه کارگر و تشکیل جبهه واحدی بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی را به پیش برد. این حزب که تا قبل از ۳۰ تیر از ارزیابی صحیح نقش مصدق عاجز مانده بود و به علت نزدیکی او با محافل ارتجاعی روابط دوستانه‌اش با امپریالیسم امریکا و موضع سرکوبگرانه‌اش در برابر جنبش کارگری و باتوجه به یک سری علل دیگر او را وابسته به امریکا می‌دانست سیاست دشمنی با او را در پیش گرفته بود، چنین سیاستی عملا مبارزه مشترک کلیه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را دچار آسیب‌های جدی ساخته بود. پس از ۳۰ تیر حزب توده به جای در پیش گرفتن سیاستی مستقل و برقراری رابطه‌ای اصولی با مصدق که همانا پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی او از یک سو و افشای ناپیگیری‌ها، تزلزل‌ها و حرکات ارتجاعیش از سوی دیگر بود ـ بازماند و خود و جنبش کارگری را به دنباله‌روی بی چون و چرا از او کشاند (سیاستی که امروز هم "حزب توده" مبلغ آن است) موفقیتی‌که پس از قیام ۳۰ تیر و شکست موقت ضد انقلاب به وجود آمده بود، به موفقیتی همه جانبه در برابر امپریالیسم و پایگاه‌های داخلی آن تبدیل نشد. قیام ۳۰ تیر زمینه مناسبی را برای مبارزه جدی با مرتجعین داخلی، یعنی فئودال‌ها، دربار و شاه که ضعیف شده بودند، فراهم آورده بود، مصدق گرچه حرکات پراکنده‌ای را در جهت محدود ساختن قدرت مرتجعین به عمل آورد (از جمله بازداشت تعدادی از امرای ارتش، فضل‌الله زاهدی و ...) اما اصولا قادر به مبارزه‌ای گسترده با این مرتجعین نبود، "حزب توده" نیز که کوشش‌هایی در جهت پیوند مبارزات ضدامپریالیستی با مبارزه بر علیه سلطنت کرده بود، چنین سیاستی را بطور جدی مورد توجه قرار نداد و از موقعیتی که به دنبال ۳۰ تیر به وجود آمد برای سازماندهی‌گسترده مبارزه توده‌ها بر علیه مرتجعین داخلی و

"حزب‌توده" عملا مصدق را با قوام در یک ردیف قرار داده و سیاست دشمنی با او را ادامه داد. تنها در صبح ۲۹ تیر و پس‌از گسترش اعتصابات مردم بود که "حزب‌توده" قضیه را جدی گرفت.

بقیه در صفحه ۱۵

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی،

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۹
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
کار

چرا در میزگرد بحث‌های سیاسی شرکت می‌کنیم؟

ما آمادگی خود را برای شرکت در مباحثه تلویزیونی که قرار است بر سر مسایل سیاسی و ایدئولوژیک برگزار شود، به مسئولان امر اطلاع داده‌ایم. در این مباحثه نیروهای سیاسی متفاوتی شرکت دارند. از ما و مجاهدین خلق گرفته تا جبهه ملی و حتی گروهک سه جهانی رنجبران که دوستان امپریالیسم جهانی هستند.

مسئولان امر با آن که کم و بیش از ماهیت عناصر سه جهانی باخبرند و می‌دانند سر رشته این جریانات دست کیست و با آن که گروهک‌رنجبران هیچ پایگاهی در میان مردم ما نداشته و ندارد و اصولا این جریان در جبهه دشمنان خلق ما قرار دارد، تصمیم گرفته‌اند این جریان را به خاطر آن‌که مهمترین وظیفه‌اش دشمنی با نیروهای انقلابی خلق به ویژه فدائیان و مجاهدین است، تقویت‌کنند و در این مباحثات شرکت دهند.

جبهه ملی نیز که امروز یکی از مهمترین کلوب لیبرال‌ها است در این مباحثه شرکت دارد و ما همانگونه که تاکنون نشان داده‌ایم لیبرال‌ها را نیرویی می‌دانیم که مورد حمایت امپریالیسم جهانی هستند و در برابر منافع خلق و جبهه خلق قرار دارند.

با اینهمه ما شرکت در این مباحثه، شرکت در میز گرد وحدت روزنامه اطلاعات که نیمه کاره متوقف شد و شرکت در هر میز گرد دیگری را با این گونه ترکیب‌ها در شرایط کنونی به صلاح جنبش تشخیص می‌دهیم. شرکت ما در "میز گرد وحدت اطلاعات" و یا در مباحثه سیاسی تلویزیون نه برای نزدیکی با محافل لیبرال و محافل سه جهانی بلکه درست بر عکس برای افشای سیاست‌های آنان، توضیح مواضع سازمان به توده‌ها و تلاش در جهت ایجاد خط و مرز میان دوستان و دشمنان مردم و نیز دوستان پیگیر و ناپیگیر مردم است.

ما با شرکت در اینگونه میزگردها تلاش داریم فرق سیاست پیگیر، قاطع و اصولی سازمان را با سیاست جریان‌های مدعی مارکسیسم (مثلا "حزب توده") و با سیاست سایر جریان‌های خرده‌بورژوایی به مردم توضیح دهیم و از آزادی‌های سیاسی دفاع کنیم.

بنابراین ما این میز گردها را تریبونی می‌دانیم که به سازمان فرصت می‌دهد پیام خود را به گوش توده‌های مردم برساند، جنبه‌های وحدت و تضاد خود را با نیروهای گوناگون سیاسی نشان دهد، صف دوستان خلق را از دشمنان خلق جدا کند و در میان صفوف خلق سیاست پیگیرترین و قاطع‌ترین نیرو را به نمایش گذارد. ضمن اعتراض به شرکت نیروهای مورد حمایت امپریالیسم، در مباحثه تلویزیونی شرکت‌می‌کنیم.

ما شرکت در این مباحثات را در شرایط کنونی به سود حفظ آزادی‌های سیاسی می‌دانیم. در شرایطی که برخی از جناح‌های حاکم در پی نابودی آزادی‌های سیاسی و تحریف مواضع سیاسی نیروهای انقلابی هستند، شرکت ما در این مباحثات به مردم نشان می‌دهد که چگونه وقتی خود ما سیاستمان را توضیح می‌دهیم و مواضعمان را نسبت به نیروهای سیاسی گوناگون و مسایل جاری جامعه مشخص می‌کنیم با آنچه که دستگاه‌های تبلیغاتی دولت جمهوری اسلامی می‌گوید تفاوت اساسی دارد، این خود اهمیت آزادی سیاسی، اهمیت آن که‌هر نیرویی فرصت یابد خود مستقیما با مردم سخن بگوید، بیش از پیش برای توده‌های مردم روشن می‌سازد و این برای تقویت و گسترش آزادی‌های سیاسی اهمیت دارد. در شرایطی‌که جریانات مشکوک می‌خواهند به اتکای چماقداران و محافل معروف به حزب الله زمینه بحث آزاد و زمینه گسترش‌روحیاتی که به رشد آگاهی‌های سیاسی مردم منجر می‌شود در هم بشکنند و فضای اختناق و زبان چماق را در سطح جامعه حاکم گردانند، شرکت ما در این مباحثات به تقویت جو طرفداری از آزادی‌های سیاسی، تضعیف گرایشات انحصارطلبانه و تضعیف چماقداران و محافل وابسته به حزب الله منجر می‌شود.

باز هم توطئه کودتا

فقط اگر مردم با هم متحد باشند

امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند

توطئه جنایتکارانه کودتای فرماندهان و محافل ضدخلقی‌ارتش که به دستور مستقیم امپریالیسم امریکا و با همدستی متحدان لیبرال آن و دولت فاشیستی عراق علیه خلق ایران تدارک دیده شده بود، بیاری پرسنل مبارز و انقلابی در هم شکسته شد. نقشه بختیار مزدور و اربابش امریکا، این بار هم‌با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد.

امپریالیسم امریکا و نوکر سرسپرده او بختیار در ماه‌های گذشته با به راه انداختن تبلیغات وسیع علیه انقلاب ایران، تلاش خود را برای فریب توده‌های میهن ما و فراهم ساختن زمینه به قدرت رسیدن یک حکومت سرسپرده افزایش داده‌اند.

امپریالیسم امریکا و متحدان جنایتکار آن با استفاده از تفرقه میان اقشار مردم، یک کودتای ضد خلقی را تدارک دیده بودند. آنها می‌خواستند یک حکومت دست نشانده امریکا را در ایران روی کار آورند. غافل از آن که میلیون‌ها زن و مرد قهرمان ایران و همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست میهن ما از هر عقیده و گروهی که باشند برغم اختلافات خویش در برابر دشمن اصلی خود امپریالیسم امریکا و نوکران داخلی آن همچنان یکپارچه و متحدند و هر اقدام جنایتکارانه امپریالیسم و نوکران بی‌اختیار آن را در نطفه خفه خواهند کرد.

سازمان چریکهای فدائی حلق ایران همه نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی را به اتحاد عمل هر چه بیشتر در برابر امپریالیسم امریکا، سرمایه‌داران لیبرال و مزدوران جنایتکار آنها فرا می‌خواند.

برای دفاع از ثمرات خون دهها هزار شهید انقلاب باید همه با هم متحد شویم. اختلاف مذهبی و اختلاف عقیده نباید مانع این کار شود. کسانی که مردم را علیه همدیگر تحریک می‌کنند، کسانی که قطعنامه‌هایی مانند قطعنامه راهپیمائی جمعه گذشته را علیه سازمان‌های مترقی و ضدامپریالیست صادر می‌کنند دشمن اصلی خلق ما را به فراموشی سپرده‌اند.

مگر نه این که سه ماه پیش آمریکائی‌ها درست زمانی به ایران حمله کردند که دستور تهاجم به دانشگاه‌ها و یورش به کردستان صادر شده بود؟ یک باردیگر ثابت شد که امپریالیسم امریکا و نوکران داخلی آن فقط وقتی جرات پیدا می‌کنند نقشه‌های شوم خود را به اجرا در آورند که در بین صفوف مردم تفرقه و دشمنی باشد. (اکثریت)

فقط اگر مردم ما متحد باشند، امریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند. امپریالیسم امریکا و نوکران داخلی آن در برابر خلق یکپارچه و متحد ما همواره زبون خواهند بود و همواره شکست خواهند خورد.

هم میهنان مبارز!

روزی نیست که در این ارتش که از رژیم شاه به جا مانده است توطئه‌ای علیه مردم ما صورت نگیرد. یک روز شبکه جاسوسی فرماندهان ارتش کشف می‌شود. روز دیگر برای نابود کردن اسناد تهاجم نظامی امریکا هلی‌کوپترهای امریکائی را بمباران می‌کنند. یک روز شبکه براندازی در ارتش تشکیل می‌شود و یک روز کودتای نظامی برای نابود کردن ثمرات انقلاب مردم ایران تدارک می‌بینند.

سازمان ماهمواره از روزهای قبل از قیام تا امروز نسبت به خطر ضد انقلاب در ارتش به خلق قهرمان ایران هشدار داده است. ما همواره هشدار داده‌ایم که فرماندهان امریکائی ارتش در فکر کودتایند. ما بر خلاف دیگران، بر خلاف آقای رئیس جمهور که اعلام کرد ازاین ارتش خیانت نخواهد دید همواره‌به صراحت اعلام کرده‌ایم که این فرماندهان،ایادی امپریالیسم امریکا هستند.

ما همصدا با همه مردم آگاه و مبارز ایران و همصدا با پرسنل انقلابی ارتش‌باردیگر هشدار می‌دهیم چنانچه تمام فرماندهان مزدور و خیانتکاران ارتش فورا تصفیه نشوند، تا وقتی ارتش در دست این فرماندهان باشد، تا وقتی بخواهند اطاعت کورکورانه را به ارتش تحمیل کنند، وقتی می‌کوشند شوراهای سربازان و درجه‌داران و انجمن‌های آنان را برچینند، خطر این گونه توطئه‌های شوم در ارتش هرگز از بین نخواهد رفت.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

هر چه مستحکم‌تر باد وحدت‌مردم ایران علیه امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
جمعه ۲۰ تیرماه ۱۳۵۹

با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۱۰

آقای رئیس جمهور!

زیر شعار "شورا بی شورا"، ضد انقلاب در صنعت نفت خود را تحکیم می بخشد

(قسمت آخر)

«بحران در تولید و ادارهٔ صنعت نفت»

ب: علل مربوط به نیروی انسانی:

می‌دانیم که سالهاست امور پالایشگاه‌های کشور به دست کارگران و متخصصین ایرانی اداره می‌شود و اخراج مزدوران و جاسوسان امپریالیسم از صنایع نفت (که بسیاری از آنها فقط حقوق‌های گزاف دریافت می‌کردند بدون‌آنکه کار مثبتی انجام دهند) نتوانست مشکلاتی جدی ایجاد نماید. حال باید به این نکته پرداخت که بر نیروی انسانی، لایق و کارآمدی که تعهد انقلابی‌اش را نسبت به خلق در اعتصابات سیاسی سال ۵۷ با قطع شریان‌های اقتصادی رژیم شاه خائن نشان داد چه رفته است.

با بررسی عملکرد پالایشگاه‌ها در سال گذشته می بینیم که سازماندهی تولید و تصفیه و پخش همچنان با عوامل و محافل سازشکار و دوستان امپریالیسم. است و این مهمترین عامل نارسائی‌های موجود در این صنعت است.

طی ۱۶ ماهی که از انقلاب می‌گذرد شوراهای کارگران و کارمندان جزء همواره از یک سو مجبور به همکاری با مدیران وابسته به امپریالیسم بوده است و از سوی دیگر به علت تضادش با لیبرالها نمیخواهد و نمی‌تواند دست آنها را هم کاملا باز گذارد و همواره دادگاه انقلاب را به رخشان می‌کشد. در نتیجه خلاء یک سیستم مدیریت منسجم (که برای اداره چنین صنعت عظیمی لازم است) آشکار می‌شود. در چنین بستری مبارزه طبقاتی نمودهایش را در روند تولید و

با بررسی عملکرد پالایشگاه‌ها در سال گذشته، می‌بینیم که سازماندهی تولید و تصفیه و پخش همچنان با عوامل و محافل سازشکار و دوستان امپریالیسم است و این مهم‌ترین عامل نارسائی‌های موجود در این صنعت است.

اداره آن نشان می‌دهد. نزیه و دیگر مدیران وابسته صنعت نفت که نتوانستند در همان روزهای اول، شوراها و تشکل‌های توده‌های کارگران را متلاشی کنند، اولا دست به توطئه‌های گوناگون برای دامن زدن به اختلافات سیاسی در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و ادارات زدند تا شاید تولید را مختل و یا متوقف نمایند. و ثانیا خود را از انجام بسیاری از کارها و مسئولیت‌هائی که بر عهده‌شان بود زیرکانه کنار کشیدند تا بدین طریق به‌جمهوری اسلامی و بخش ناآگاه توده‌های کارگر صنعت نفت ثابت کنند که باعث و عامل همه خرابی‌ها و ضعف‌ها و اشکالات، شورا و کارگرانی هستند که برای قطع وابستگی این صنعت تلاش می‌کنند. اینان با استعفاهای تاکتیکی و مرخصی‌های طولانی مدت و نیز با شکوائیه‌های خود به "شورای انقلاب" و "دفتر امام" سعی کردند و می‌کنند گناه عمده اختلال در تولید و تصفیه و توزیع را به گردن کارگران و کارمندان جزء و شوراها بیندازند در حالی که خود عامل عمده عقب افتادگی و اختلال در کارها بودند. توده کارگران و کارمندان جزء نیز پس از مدتی مبارزه در راه قطع وابستگی‌ها و احقاق حقوقشان و به ویژه مبارزه برای جایگزین کردن قوانین و مقررات استعماری با قوانین و مقررات انقلابی، هنگامی که دولت را بطور تقریبا یکپارچه در برابر خود دیدند و دیدند که عوامل وابسته و ساواکی‌ها نه‌تنها تصفیه نشدند بلکه به پست‌های بالاتر گمارده شده‌اند و بسیاری از قراردادهای اسارت بار گذشته با امپریالیست‌ها افشاء و لغو نگردیده است و هنوز از مقصد نفت و حساب و کتاب در آمد آن کسی مطلع نمی‌شود، به تدریج دست به نوعی مبارزه منفی و کم کاری زدند و بی‌توجهی نسبت به نگهداری دستگاه‌ها و

بحران موجود در صنعت نفت دقیقا به دلیل مبارزه عوامل وابسته به امپریالیسم با کارگران و کارمندان جزء، مبارزه شوراهای کارگری با پیمانکاران و حامیانشان و مبارزه کارگران پروژه‌ای بر سر حفظ یا حذف مناسبات و روابط امپریالیستی پیش می‌رود و این همان بحرانی است که کل جامعه را در بر گرفته‌است.

بهره‌برداری بهتر از آنها، روز به روز گسترش یافت. دولت در مقابل، تنها به تهدید و ارعاب کارگران و تشدید فشار بر شوراها پرداخت. ولی از این فشارها و تهدیدات سودی نبرده و در نتیجه بسیاری از کارها به کندی پیش رفته و یا عقب افتاده است. کند کاری در تعمیر دستگاه آیزوماکس پالایشگاه تهران، تاخیر در به کار افتادن پالایشگاه اصفهان و کاهش تولید روزانه قیر در پالایشگاه آبادان، عمدتا انعکاس اقدامات ضد کارگری و تشدید فشارهای ضد شورائی مقامات حکومتی بود. مدیران وابسته و سازشکار از این شرایط و اوضاع برای از هم پاشاندن و تشکل کارگران و تحکیم پایه‌های ضد انقلابی‌شان در صنعت نفت، وسیعا بهره‌برداری کرده و می‌کنند تا ثابت کنند که این تنها آنها هستند که می‌توانند صنعت نفت را اداره نمایند. نتیجه آنکه با وجودی که ظرفیت پالایشگاه‌ها نسبت به سال ۵۶ روزانه بیش از ۲۰۰ هزار بشکه افزایش را نشان می‌دهد ولی چه به دلیل عقب افتادن تکمیل پالایشگاه اصفهان و چه به دلیل کاهش بازدهی کار در سطح کلیه پالایشگاه‌ها، تولید/مواد تصفیه شده نفتی کفاف مصرف را نمی‌دهد. این بحران فقط در پالایشگاه‌ها نیست که نمود پیدا می‌کند، بلکه در تمام سطح صنعت نفت وجود دارد. بی برنامگی، کارشکنی و ضعف حاکمیت در پاسخگوئی به مطالبات انقلابی شوراها (افشاء و لغو قراردادهای اسارتبار، تصفیه عوامل ضد انقلابی و ...) در صنعت نفت نیز خود را نشان می‌دهد. مثلا در حالی که عراق از منبع نفتی مشترک دهلران روزی ۱۵۰ هزار بشکه نفت استخراج می‌کند به واسطه‌عدم امنیت در مرز عراق و انفجارهای پیاپی مزدوران ضد انقلابی در لوله‌های نفت دهلران به اهواز، حتی آن ۳۰ هزار بشکه‌ای که قبلا استخراج می‌شد نیز به وسیله صنعت نفت استخراج نمی‌شود. اگر به‌جای جنگ برادرکشی در کردستان، حفاظت مرزها و اتحاد عمل تمامی نیروهای ضد امپریالیست در متلاشی ساختن شبکه دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا و ایادی رژیم عراق در دستور قرار گیرد، می‌توان با بسیج دکل‌های حفاری و نیروی کارگران و متخصصین حفاری در اسرع وقت تعداد چاه‌ها را در بخش متعلق به ایران افزایش داد و همچنین تاسیسات را برای بهره‌برداری لازم تکمیل نمود.

مثالی دیگر:

کارگران حفاری با مبارزات خود توانستند از ۳۳ دکل حفاری موجود در خشکی تا قبل از قیام ۲۷ دکل را از شرکت‌های حفاری امپریالیستی مصادره کنند (۵ دکل دیگر در زمان استانداری تیمسار مدنی نماینده محترم! مجلس و با حکم کتبی خود ایشان تحویل اربابان امپریالیستی گردید که یکی از این دکل‌ها در نوع خود بی‌نظیر بود و برای حفاری‌های بسیار عمیق به کار گرفته می‌شد و به تنهائی حدود ۱۰۰میلیون دلار ارزش داشت) ولی اینک تنها ۱۲ دکل (۱۰ دکل در خشکی، ۲ دکل دو دریـــــــا) کار می‌کنند. دلیل عدم بهره‌برداری از کلیه دکل‌ها را باید در توطئه عوامل امپریالیسم در درون و بیرون صنعت نفت جست که در کار سازماندهی سریع شرکت ملی حفاری ایران که با مبارزات کارگران رزمنده حفاری به حاکمیت تحمیل گشته بود اخلال می‌کنند.

می بینیم که بحران موجود در صنعت نفت دقیقا به دلیل مبارزه عوامل وابسته به امپریالیسم با کارگران و کارمندان جزء، مبارزه شوراهای کارگری با پیمانکاران و حامیانشان و مبارزه کارگران پروژه‌ای بر سر **حفظ** یا **حذف** مناسبات و روابط امپریالیستی پیش می‌رود و این همان بحرانی است که کل جامعه را در بر گرفته است.

کارگران و کارمندان جزء در صنعت نفت تنها با تحکیم سنگر شورائی‌شان در مبارزه بر علیه توطئه‌های ضد انقلابی مدیران و روسای سازشکار لیبرال و همچنین انتقاد، افشاء و بی اثر کردن تمامی اقدامات ضد شورائی و ضد کارگری مقامات حکومتی قادر خواهند بود مبارزه‌ای ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک را به نحوی پیگیر گسترش داده و بر بحران‌هائی صد بار بزرگتر از این نیز غلبه کنند.

** نفت کوره در داخل کشور مصرف چندانی ندارد از طرفی حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد از نفت خام تحویلی به پالایشگاه‌ها تبدیل به نفت کوره و نفتا می‌شود و عدم صدور این دو ماده باعث پر شدن انبارها می‌شود و با پر شدن انبارها پالایشگاه‌ها نمی‌توانند با تمام ظرفیت کار کنند.*

گسترده باد همگامی و همکاری
ـــ همه‌نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند ـ

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۱۱

اخبار کارگری

در مجتمع مس سرچشمه،
مدیریت می‌خواهد سندیکای فرمایشی تشکیل دهد ولی
کارگران خواهان شوراهای واقعی‌اند

شورای کارکنان مجتمع مس سر چشمه که خواهان بهبود وضع شرکت و به راه انداختن کارخانه و بالا بردن قدرت تولید است ، با مدیریت شرکت که همواره در صدد ایجاد اختلال در امر تولید و اداره مجتمع سرچشمه بوده و هست ، طی ماه‌های اخیر درگیری‌های بسیاری داشته و دارد . رئیس شرکت ، مهندسی است به نام مداح که به توصیه بازرگان به مدیریت شرکت گمارده شده و سیاستش همواره این بوده است که با ایجاد اختلال در کارها و احیانا خواباندن کار ، وانمود کند که بخش‌ها و قسمت‌های کارخانه چون فاقد متخصص‌اند ، خوابیده‌اند و باید کارشناس‌های خارجی دوباره برگردند و کارخانه ذوب را به راه بیندازند . ولی شورای‌کارکنان زیر بار این سیاست اخلالگرانه مدیریت نرفته و معتقد است که تمام کارهای مجتمع سر چشمه می‌تواند به وسیله کارشناسان ایرانی و شورا اداره شود . شورا در جهت افشای اقدامات اخلالگرانه مدیریت بارها به مقامات مسئول مراجعه نموده و خواستار بررسی وضعیت اداره مجتمع مس شده است و بارها به رئیس جمهور ، استاندار کرمان و کمیته رفسنجان شکایت کرده است . ولی همه آنها کم و بیش از مدیریت در مقابل شورا حمایت کرده‌اند . شورا به دنبال این مراجعات از وزارت صنایع و معادن خواستار اعزام هیئتی جهت رسیدگی به مشکلات شرکت شد ولی هیئت مزبور نیز برخورد مسئولانه‌ای با مسئله تولید و اداره شرکت نداشته است . در این اواخر مدیریت برای تضعیف شورا در صدد برآمده که سندیکای فرمایشی سابق را احیاء کند از این رو از کارگران‌خواسته است که به جای شورای فعلی‌شان سندیکا تشکیل بدهند و منظور و منطقش هم از اینکار این است که شورا در رابطه با مدیریت حساب و کتاب و حد و حدودی برای خودش قائل نیست ، حال اینکه سندیکا (سندیکای فرمایشی) در چار چوب قانون کار موجود (که هنوز همان قانون کار گذشته است) حساب و کتابش روشن است ! ولی کارگران که خواستار شورای واقعی هستند از تشکیل سندیکای فرمایشی‌ایکه به وسیله مدیریت پیشنهاد شده است استقبالی نکرده‌اند و حاضر نیستند شورای فعلی‌شان را علیرغم همه ضعف‌هائی‌که دارد ، در ازاء ایجاد یک سندیکای فرمایشی از دست بدهند . از این رو از تشکل شورائی‌شان در مقابل تعرض‌ها و توطئه‌های مدیریت ، پیگیرانه دفاع می‌کنند .

نامه گروهی از کارگران نانوائی‌های قهرمانشهر (کرمانشاه) به "کار"

ما گروهی از کارگران خبازی‌های کرمانشاه و حومه ضمن اعلام همبستگی خود با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، خواهان درج مطالبمان در روزنامه "کار" هستیم . این مطالب به سهم خود به آگاهی طبقه کارگر و زحمتکشان در مورد گرانی و کمیابی نان کمک می‌نماید . باید مردم زحمتکش و فداکار که همیشه خواستار حقیقت هستند از همه مسائل لازم سر در آورند و شما موظفید که حقایق زندگی کارگران و زحمتکشان را بدون ترس از کسی بگوئید . کمبودهائی که اخیرا در نانوائی‌ها به وجود آمده و خواهد آمد ، مسئله کوچکی نیست ، یک مسئله حیاتی برای زحمتکشان است و نمی‌شود همینطوری بی‌توجه از آن گذشت . پیش از انقلاب ، یعنی در دوره شاه خائن ، سهمیه گندم استان کرمانشاهان ۱۰۵ تن بود که تقریبا برای ۵۰۰ هزار نفر مصرف کننده در نظر گرفته شده بود . بعد از انقلاب از یک طرف جمعیت زیاد شده و از طرف دیگر سهمیه کم شد و قیمت هم که معلوم است بالا می‌رود و این وسط دولت با سیاست‌های سر در گمش وضع را بدتر می‌کند . حساب نکرده کار می‌کند ، بدون آنکه به فکر این مسئله باشد که با این سهمیه کم و این گرانی آیا مردم شکمشان سیر می‌شود یا نه؟

در مورد گرانی و کمیابی نان و سهمیه کم و غیره دولت طوری قضیه‌را طرح می‌کند که خیلی‌ها کارگرها و نانواها را مقصر گرانی نان می‌دانند و کاسه و کوزه این وضع خراب را می‌خواهند سر آنها بشکنند . ولی کارگر و نانوا که نمی‌توانند بیشتر از سهمیه‌ای که دولت تعیین می‌کند نان تحویل مردم بدهند . حقیقت این است که علت اصلی اینهمه خرابی وضع در وهله اول ، آن رژیم جنایتکار و کارگر کش پهلوی بود که مزدور امریکا بود و مملکت را از ریشه فاسد کرد و رفت و اوضاع خراب را برای ما به یادگار گذاشت ، دوم دولت بازرگان بود که وضعش تعریفی نداشت چون خیلی سازشکار بود و سوم هم همین دولت فعلی که مثل بازرگان نیست‌ولی سیاست‌هایش در مورد گرانی و کمیابی‌و . . . به جای اینکه به نفع زحمتکشان تمام شود بیشتر مایه زحمت و دردسر زحمتکشان می‌شود . بدتر از همه این که ، خرابی وضع و ضعف خودش را گردن کمونیست‌ها و شوراها می‌اندازد . باید ازش پرسید :

خودت نمی‌توانی اوضاع را درست اداره کنی ، چرا یقه دیگران را می‌گیری؟ ولی وضع اینطور نمی‌ماند ، چونکه طبقه کارگر با دیگر زحمتکشان و با اتحاد هر چه بیشتر روز به روز قوی‌تر می‌شود و همه دشمنان ریز و درشت زحمتکشان را از سر راهش بر می‌دارد .

مرگ بر امپریالیسم
زنده باد طبقه کارگر

بقیه‌ازصفحه ۱۲

از این پس نشریات، مکاتبات و . . .

یافته است .

لازم به تذکر است که اقشار روشنفکری خلق اکنون بطورنسبی در جریان اختلاف نظر ما و اقلیت منشعب قرار گرفته‌اند . اما این خطر واقعا وجود دارد که سیاست‌های غیرمسئولانه و چپ روانه منشعبین به شناخت مردم زحمتکش ، به ویژه طبقه کارگر از سازمان و سیاست‌های آن لطمات جدی وارد آورد . درک ضرورت این مسئله و پیگیری آن نقش اساسی در تحکیم پایگاه فدائیان خلق در میان توده‌ها ایفا خواهد کرد .

بخاطر سودجوئی سرمایه داران و پیمانکاران
از فروردین ماه تاکنون ۱۰ تن از
کارگران بندرخمینی جانشان را از دست دادند

در هفته‌های اخیر ، یوسف صمیمی (یکی از کارگران پیمانکاری رجمانی) که روی اسکله‌های جدید کار می‌کرد ، در حین کار به زیر چرخ‌های تریلی می‌رود و جان می‌سپارد . و جعفر عزیزی (کارگر پیمانکاری بقائی) حین تخلیه روغن کشتی آریا رخ روی اسکله ۴، بر اثر برخورد بار (سلنگ کشتی) به او ، از روی تریلر به دریا پرتاب می‌شود و در مقابل چشمان حیرت‌زده کارگران اسکله ، غرق می‌شود . از فروردین ماه ۵۸ تا کنون ۱۰ تن از کارگران بندر خمینی جانشان را در حین کار از دست داده‌اند . کارگران پیشرو بندر خمینی در اعلامیه‌ای که به این مناسبت داده‌اند ، مطامع و سودجوئی‌های سرمایه‌داران و پیمانکاران را انگیزه این جنایات دانسته و مناسبات غیر انسانی سرمایه‌داری را که چنین جنایاتی را بطور روز مره امکان پذیر می‌سازد محکوم نمودند . و ضمن اعتراض شدید به بی‌توجهی مسئولین ، حتی فقدان آمبولانس برای مواقع اضطراری و . . . مصرانه خواستار تامین وسایل ایمنی کار شده و در پایان ، بر اتحاد و تشکل کارگران به عنوان مهمترین تضمین برای تامین خواست‌های کارگران بندر و مقابله با مطامع روز افزون سرمایه‌داران و پیمانکاران تاکید کردند .

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر
پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران

ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۱۲

قسمت هائی از:

هشدار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرگان به مسئولین امر

آنچه ما را بر آن داشت تا این هشدار را به همه مسئولین امر و مردم مسلمان و مبارز خود بدهیم، احساس مسئولیت سنگینی بود که در برابر حفظ و پاسداری از خون شهیدان انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن نموده و می‌نمائیم.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی مدظله‌العالی و سقوط رژیم شاهنشاهی در این مملکت، نهادهای انقلابی از قبیل سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب، بنیاد مستضعفین، و دادستانی‌های انقلاب و... بنا به فرمان امام امت برای حفظ دستاوردهای انقلاب تشکیل شد. سلمنا نیت پاک و مقدس امام از تشکیل این نهادها رسیدگی فوری و انقلابی به حال مستضعفین و زاغه‌نشین‌ها و محرومین و هم‌چنین مبارزه قاطع با عناصر رژیم سابق از قبیل ساواکی‌ها و فئودال‌ها و سرمایه‌داران بزرگ و وابسته و خون‌آشام و عناصر ضدانقلاب دیگر بود زیرا که بدون مبارزه جدی و انقلابی با ریشه‌های فاسد و گندیده رژیم سابق و پایگاه‌های امپریالیسم در داخل کشور، انقلاب به معنی واقعی تحقق پیدا نمی‌کند... مگر این سرمایه‌داران بزرگ و ملاکین و فئودالهای زمینخوار از راه‌های غیر مشروع و ناپاک صاحب این همه امکانات مادی نشده‌اند؟ مگر همین‌ها کم یا رژیم خائن پهلوی همکاری و دوستی‌های نزدیک داشتند؟ مگر غیر از این است که این زالوها برای حفظ منافع کثیفشان با این انقلاب مخالف بوده و چماق بدست راه می‌انداختند؟ و جیره‌خوارانشان جاویدشاه می‌گفتند و به مردم حمله می‌کردند؟ مگر غیر از این بود که تیمسار مزین جلاد زمین‌ها را از دهقانان و کشاورزان فارس و ترکمن به زور گرفته و به همین مزدوران سرسپرده و سرمایه‌دار ها می‌داد؟ پس چرا نباید از آنها به زور گرفت؟ **امام می‌فرمایند که مستضعفین باید به زور حق خود را از مستکبرین بگیرند زیرا آنها حق آنها را نخواهند داد...**

چرا ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد این همه توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی بودیم و هنوز هم هستیم؟ آیا غیر از این است که مقداری از این توطئه ناشی از سستی و سازشکاری و مسامحه‌کاری مسئولین مملکت بود؟ چرا تا بعد از ۸ ماه از پیروزی انقلاب لانه جاسوسی امریکا در ایران مشغول توطئه بود ومسئولین غافل بودند؟ چرا اینقدر به ساواکی‌ها رودادند که با کمال بی‌شرمی در یک روز معین تعدادی از آنها جلو کاخ نخست‌وزیری جمع شوند و طلب حقوق نمایند؟ چرا با فئودال‌های بزرگ مبارزه جدی نشد و متاسفانه بعضی از آقایان زیر بال اینها را گرفته و از آنها دفاع می‌کنند و آنها هم می‌روند قم و در کنار منزل امام تحصن کرده و خود را کشاورز و دهقان معرفی می‌نمایند (البته متاسفانه از طرف یکی از روحانیون مشهد به استادرضا اصفهانی تلفن زده می‌شود که کاری کنید آنها را از قم راه‌بدهند و حرفهایشان را بزنند که بعدا استادرضا اصفهانی این قضیه را برای ما فاش کرد)..

بعد از پیروزی انقلاب روزهای اوائل، این سرمایه‌دارهای بزرگ و فئودال‌ها وساواکی‌های فراری بودند و جلو چشم مردم نمی‌آمدند از بس که کارهای ننگین و فساد داشتند اما حالا با خیال راحت در خیابان‌ها قدم می‌زنند وسیگار کنار لب و بادی هم به غبغب انداخته و به ریش همه ما می‌خندند و گاهی اوقات بعضی از اینها خودشان را مستضعف خوانده و خواهان کمک هم هستند و خلاصه طلبکار هم هستند. آنها فکر می‌کنند که مردم یادشان رفته که چکاره بوده‌اند و منتظر هستند تا انشاءالله در یک دادگاه انقلابی اسلامی به سزای اعمالشان برسند.

به‌هوش باشید که دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه در این امر شریک هستند، همانهائی که تنگ‌نظر هستند و تحمل عقیده مخالف خود را ندارند. و در هر صورت صحبت زیاد است و این درد دل ما تنها نیست. برادران دیگر ما هم از این دردها زیاد دارند. از همه مسئولین امر و مردم مسلمان و مبارز خود می‌خواهیم که به‌هوش باشند و هشدار می‌دهیم که دشمن درکمین است و هرلحظه به ما فکر می‌کند و برای ما نقشه‌ها می‌کشد تا شاید ما را به هم مشغول نماید و بجان هم بیاندازد و تا خودمان یکدیگر را به جای او محکوم نمائیم و او استفاده‌اش را ببرد. به‌قول یکی از بردران نمی‌دانیم از دوست بنالیم یا از دشمن!

در پایان اجرای موارد زیر را از مسئولین امر خواستاریم:

۱ـ تعویض فوری طباطبائی دادستان انقلاب استان مازندران

۲ـ تعقیب جدی سرمایه‌داران و فئودالهای بزرگ توطئه‌گر و مصادره اموال آنها

۳ـ دادن اختیارات بیشتر به سپاه جهت انجام کارهای انقلابی

۴ـ تجدید محاکمه افرادی که بناحق آزاد شده‌اند خصوصا ساواکی‌ها

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرگان
روابط عمومی

از این پس نشریات، مکاتبات و نظرات سازمان به امضاء

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)

اتشار می‌یابد

از آنجا که "منشعبین" با برخوردی غیر مسئولانه حاضر نشدند بر سر استفاده از علائم و نام سازمان و نشریات آن با اکثریت توافق کنند و می‌کوشند با این عمل خود همانگونه که پیش بینی می‌شد در اذهان توده مردم نسبت به هویت مستقل خود اغتشاش ایجاد کنند، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن غیر اصولی شناختن این نحوه برخورد، بطور یک جانبه تصمیم گرفته است با افزودن "اکثریت" به نام و امضای رسمی سازمان، پی آمدهای این عمل غیر مسئولانه "اقلیت" را خنثی کند.

بدین ترتیب از این پس تمام نشریات، مکاتبات و نظرات سازمان تحت عنوان "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)" انتشار خواهد یافت.

انتخاب کلمه اکثریت و افزودن آن به نام سازمان به این علت بوده است که بعد از انشعاب در ذهن مردم هنگام برخورد با مواضع سازمان بیش از همه واژه "اکثریت" تداعی شده است از همین نظراست که افزودن "اکثریت" به نام سازمان در شرایط مشخص فعلی بیشترین انطباق را با شناخت توده‌ها از سازمان ایجاد خواهد کرد.

در این فرصت لازم است یک بار دیگر تاکید کنیم که سازمان هیچ نوع مسئولیتی در برابر موضع و اقدامات منشعبین و گروه اشرف دهقانی که از آرم و نام سازمان استفاده می‌کنند، بر عهده نخواهد گرفت و تنها مسئولیت آن اقدامات و مواضعی برعهده ماست که تحت نام و عنوان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) صورت پذیرد.

* * *

توضیح تفاوت مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) با مواضع اقلیت منشعب برای مردم به ویژه اقشار زحمتکش خلق از مبرم‌ترین و فوری‌ترین وظایف هواداران است. امروز کوشش برای ترسیم خط و مرزهای بین ما و اقلیت برای توده‌ها بیش از هر زمان دیگر اهمیت

بقیه در صفحه ۱۱

۰۰۰ نفتگران ۲۳ تیر

بقیه‌ازصفحه ۴

سازمانگر تمکین کارگران به سیاست‌های ضد کارگری و ضد انقلابی قوام شد. امروز جنبش کارگری ایران سنت‌ها و تجارب مبارزاتی خونباری را پشت سر دارد که اعتصاب خونین ۲۳تیر یکی از درخشانترین این سنت‌هاست در پی نفتگران شهیدی که در ۲۳ تیر در را ه آرمان پرولتاریا جان باختند، امروز مردان و زنان برومند بسیاری در سراسر میهن پرچم سرخ آرمان شکوهمند آنان را با افتخار بر دوش می‌کشند. طبقه کارگر ایران در اعتصابات عمومی سال ۵۷ نشان داد که چه ظرفیت مبارزاتی عظیمی در خود نهفته دارد. نفتگران رزمنده و قهرمان در آستانه قیام نشان دادند که چگونه شریان حیاتی رژیم وابسته به امپریالیسم را می‌توان قطع کرد و امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن را به عجز و لابه واداشت. مبارزات نفتگران اکنون با درس‌آموزی از این تجارب مبارزاتی و با پاسداری از این سنت‌های مبارزه انقلابی، در سنگر ضد امپریالیستی شوراها علیه پس مانده‌های رژیم شاه و مدیران لیبرال و سازشکار صنعت نفت همچنان ادامه دارد. مبارزاتی که در جهت تدوین قانون جدید کار، تامین حقوق صنفی و مهمتر از آن مبارزه برای لغو قراردادهای اسارتبار امپریالیستی و بازمانده روابط استعماری حاکم بر صنعت نفت جریان دارد و اولین گام اساسی‌اش را در راه پاکسازی و تصفیه انقلابی مدیران سر سپرده و سازشکار و خنثی کردن بخشنامه‌های ضد کارگری و ضد شورائی صنعت نفت و تحکیم سنگر شوراها در مبارزه بر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا به پیش می‌گذارد، تا پرچم خونین حماسه ۲۳ تیر نفتگران رزمنده را به شایستگی بر سنگر ضد امپریالیستی شوراها در اهتزاز نگهدارد.

جاودان باد خاطره
شهدای به خون خفته راه
پرولتاریا

*

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۱۳
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
کار

زحمتکشان «دکه‌دار»: ما کار می‌خواهیم!

وسایل امرار معاش ما را تأمین کنید

■ شهرداری مسئول قتل دو زحمتکش دکه‌دار است

روز هفدهم تیر ماه شهرداری تهران با صدور اطلاعیه‌ای که چندین بار از رادیو پخش شد اعلام داشت "*دکه داران باید ظرف ۴۸ ساعت دکه‌های خود را تخلیه و جمع‌آوری کنند. در غیر این صورت شهرداری اقدام به این کار خواهد کرد و هیچگونه مسئولیتی نیز متوجه شهرداری نمی‌باشد.*"

با اعلام این خبر "دکه‌داران" که بخش‌های وسیعی از آنان در شمار زحمتکشانی هستند که در نتیجه بیکاری و گرسنگی از این طریق امرار معاش می‌کنند دست به تحصن و اعتراض زدند.

بی‌اعتنائی مقامات رسمی به خواست‌های "دکه‌داران" که به حق خواهان "کار" بودند منجر به درگیری‌های خشونت‌آمیزی شد که طی آن ۱۱۰ تن بازداشت، دهها تن مجروح و دو تن از دکه‌داران به اسامی رضا سجادی و اصفهانی به شهادت رسیدند.

یورش به "دکه‌داران" و شهادت دوتن از آنان به محیط تشنج و درگیری دامن زد و زمینه را برای حرکات لجام گسیخته مهیا کرد که در مجموع اقدامی علیه زحمتکشان بود که نفرت همگان را برانگیخت.

ما ضمن محکوم کردن اقدام شهرداری تهران، خواست دکه‌داران را مبنی بر تامین کار و وسایل امرار معاش بر حق دانسته و از آن دفاع می‌کنیم.

زحمتکشان دکه‌دار با طرد عواملی که خواهان خشونت و درگیری هستند با اتحاد و تشکل بیشتر-، آگاهانه و با پرهیز از هر گونه خشونت به مبارزه جهت تامین خواست‌های عادلانه خود ادامه می‌دهند.

در زیر قسمت‌هایی از اطلاعیه‌هایی را که توسط دکه‌داران انتشار یافته است می‌خوانید:

"شما می‌خواهید پاکسازی کنید یا اینکه دکه‌داران را به خاطر امرار معاش به هزاران کار خلاف وادار کنید؟ شما می‌خواهید پاکسازی کنید یا اینکه انان را به خاطر بیکاری به سوی مواد مخدر سوق دهید؟ ما از مسئولین این سئوال را داریم که چه دست‌هائی هستند که مردم را از کار کردن شرافتمندانه باز می‌دارند و آنان را به سوی نارضایتی سوق می‌دهند. در اینجا لازم است اعلام کنیم که اگر کاری برای ما فراهم گردد، خودمان تضمین می‌کنیم که دکه‌ها را جمع کنیم و الا هیچگونه درآمدی جز دست فروشی برای سیر کردن شکم زن و بچه ما وجود ندارد..."
(دکه‌داران اطراف دانشگاه)

"ما بارها اعلام کرده‌ایم که در رابطه با این مسائل باید به دنبال علل اساسی بگردیم. اما علت اساسی در این‌مورد چه می‌تواند باشد؟ از نظر بیکاران تامین کار تولیدی برای این افراد"..
(اتحادیه صنفی کتابفروشان کنار خیابان)

"ما اعلام می‌کنیم که این دکه‌ها محل گذران زندگی ماست و از دست دادن آنها به قیمت بیکاری و گرسنگی خانواده‌های ما تمام می‌شود"
و در قسمت دیگر اعلامیه آمده است:

"بیکاری زائیده نظام سرمایه‌داری است و در نظام سرمایه‌داری، بیکاری، فقر، گرانی، اعتیاد، فحشاء و همه پلیدی‌ها وجود دارد و راه رهائی از همه این پلیدی‌ها نابودی سرمایه‌داری است."
(اتحادیه دکه‌داران خیابان مصدق)

به دنبال این جریانات روز پنجشنبه ۱۹ تیر ماه بعد از پایان یافتن مهلت مقرر، دکه‌داران اطراف دانشگاه، سراسر مصدق و پارک ملت تصمیم می‌گیرند که برای لغو این دستور دست به یک راهپیمائی به طرف نخست ـ وزیری بزنند. دکه‌داران با هوشیاری تمام مراقب ضد انقلاب بودند. بطوری که بارها از پشت بلندگو تکرار می‌کردند:

"*صف ما از صف ضد انقلاب جداست و ما هیچگاه با بختیار و امریکا همصدا نمی‌شویم.*"

یورش سرکوبگرانه به دکه‌داران و شهادت دو تن از آنان اقدامی علیه زحمتکشان بود که نفرت همگان را برانگیخت.

ما تاکید می‌کنیم که حل مسئله دکه‌داری تنها در ایجاد کار برای دکه‌داران و کلیه بیکاران میسر است.

و هر بار که عناصری در صدد دادن شعارهای انحرافی بر می‌آمدند نمایندگان شورای اتحادیه‌های دکه‌داران که بنا بر ضرورت در طول همین مدت به وجود آمده بود از آن جلوگیری می‌کردند.

دکه‌داران زحمتکش شعار می‌دادند:

"شعار هر دکه‌دار: کار برای بیکار ایجاد باید گردد".

دکه‌داران وقتی به نخست وزیری رسیدند کسی حاضر نشد با آنها صحبت کنند تا اینکه یکی از مسئولین دفتر ریاست جمهوری گفت:

"به شهرداری بروید. شهردار منتظر شماست".

دکه‌داران می‌دانستند که هدف خسته کردن و پراکنده کردن آنهاست، لذا قطعنامه‌ای صادر کرده و طی آن در خواست نمودند که نماینده آنان در شورای پاکسازی شهر شرکت داشته باشد تا با کمک دکه‌داران به ادامه کار عواملی که تحت پوشش دکه‌داری به اعمال خلاف مشغولند پایان داده شود و کار برای دکه‌داران ایجاد گردد و در آن صورت دکه‌داران خود اقدام به جمع‌آوری دکه‌ها خواهند نمود. با وجود این عده‌ای از راهپیمایان به شهرداری رفتند اما به جای ملاقات با شهردار با پاسداران و نیروهای مسلح انتظامی روبرو شدند. بعد از بی توجهی به خواست آنها و متشنج شدن اوضاع پاسداران تیراندازی کرده و دو نفر به اسامی رضا سجادی و اصفهانی شهید شده تعدادی مجروح و ۱۱۰ نفر نیز بازداشت و به زندان قصر منتقل شدند.

به دنبال وقایع چند روزه روز شنبه دکه‌داران همه در دکه‌هایشان حاضر بودند، زیرا آنها نمی‌توانستند وسیله امرار معاش خود را رها سازند ولی حدود ساعت ۱۰ شب همان روز به دستور مسئولین شهرداری برق‌های شهر قطع شد و از ساعت ۱۲ راه‌های ورود به خیابان مصدق (از ولی عصر به سمت‌شمال) را بستند و ماموران شهرداری تا ساعت ۵ صبح با بولدوزر بساط دکه‌داران را با استفاده از تاریکی شب جمع کرده و با خود بردند.

صبح روز یکشنبه دکه‌داران وقتی بر سر کارشان آمدند با ماشین‌های آب پاش شهرداری برخورد کردند که به آب پاشی در جای خالی دکه‌ها مشغول بودند.

در این هنگام در سراسر پیاده‌رو مصدق انبوه عظیمی از مردم و دکه‌داران ایستاده و مشغول بحث بودند و جو متشنج اوضاع و احوال را برای بهره‌برداری عوامل‌بختیار فراهم آورده بود که حضورشان در میان مردمی که معترض و خشمگین ایستاده بودند، به خوبی احساس می‌شد و به قول یکی از دکه‌داران که می‌گفت:

"چه دست‌هایی هستند که مردم را به سوی نارضایتی و بهره‌برداری ضد انقلاب سوق می‌دهند؟"

اکنون باید پرسید در میان دولت چه کسانی هستند که زمینه را برای رشد و قدرت یافتن مزدورانی چون بختیار آماده می‌سازند؟ آیا بر بستر همین اعمال گیج‌سرانه و ندانم‌کاری و به دنبال آن دسیسه‌های دوستان امپریالیسم در حاکمیت نیست که زدوری چون اویسی می‌گوید:

"*ما برای کودتا نمی‌آئیم ما قیام خواهیم کرد*".

گیج‌سری‌ها و ندانم‌کاری‌ها که به جای حل مشکلات اساسی مردم زحمتکش و دامن زدن به شور انقلابی آنان. با پرداختن به‌مسایلی چون حجاب و نوارها و دکه‌ها و... باعث گسترش بی‌تفاوتی و نارضایتی توده‌ها می‌شود و در این میان دوستان و جاسوسان امپریالیسم در راس اداره امور با دامن زدن هر چه بیشتر به این مسایل سعی می‌نمایند تا مسئله تغییر نظام جامعه را در همین امور خلاصه کرده و به دوستان خود در خارج از حاکمیت برای بهره‌برداری از نارضایتی‌ها یاری رسانند.

ما می‌پرسیم چرا دولت به جای مبارزه با سرمایه‌داران و تجار و فروشندگان و لوکس فروشان بزرگ که باعث افزایش هر چه بیشتر بیکاری و تورم در جامعه هستند به مبارزه با دکه‌داران و دستفروشانی دست می‌زنند که اکثرا مردم زحمتکشی هستند که خود از زور فشار همین عوارض نظام سرمایه‌داری و سود جویی سرمایه‌داران به کنار پیاده روها به دستفروشی روی آورده‌اند.

ما تاکید می‌کنیم که حل مسئله دکه‌داری تنها در ایجاد کار برای دکه‌داران و کلیه‌بیکاران میسر است و امر پاکسازی و مبارزه با فحشاء و قاچاق تنها با اتکاء به خود دکه‌داران مقدور است.

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۱۴

بیانیه معلمان پیشگام

درباره انشعاب "اقلیت"

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نبرد با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا همچنان ادامه دارد و هم‌اکنون خلقهای میهن ما روزهای بسیار حساسی را پشت سر می‌گذارند. گرانی، کمیابی و بیکاری روز به روز بردوش زحمتکشان سنگینی می‌کند و درهمین حال عوامل جنگ‌افروز درون حاکمیت با جنگ افروزی و نفاق افکنی بر مشکلات و مصائب مردم می‌افزایند. از سوی دیگر طبقه سرمایه‌دار ایران به کمک ملاکین بزرگ و دوستان و جاسوسان امریکا هر روز توطئه تازه‌ای تدارک می‌بینند. آنها با استفاده از ناپیگیری و تزلزل حاکمیت در سرکوب ضدانقلاب و ناتوانی آن در برآورده ساختن نیازهای اساسی مردم سعی دارند تا به هر قیمت شده مسیر مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک توده‌ها و در راس آنها مبارزه طبقه کارگر ایران را به انحراف بکشانند آنها بیش از هرچیز از رشد آگاهی و مبارزه زحمتکشان به وحشت افتاده‌اند و به همین دلیل است که امروز سازمان‌های مترقی و انقلابی و در راس همه آنها سازمان پرافتخار چریکهای‌فدائی خلق ایران را بیش از پیش هدف حمله قرار می‌دهند. آنها ضمن انگشت گذاشتن بر نقائص و ناتوانی‌های حاکمیت می‌کوشند تا آینده طبقه کارگر و سازمان‌های انقلابی را نیز تیره و تار جلوه داده و با ایجاد گیجی و توهم در میان مردم عناصر وابسته‌ای چون بختیار و جلادان شناخته‌شده‌ای مانند اویسی و پالیزبان را به صورت نجات دهندگان مردم درآورند.

بدیهی است در چنین شرایطی حل اختلافات نظری و بینش درون و میان سازمان‌های مترقی و انقلابی باید بیش از هر زمان دیگر به شیوه اصولی و بدون دامن زدن به توهمات توده‌ها و بدون ایجاد تشتت در میان روشنفکران انقلابی صورت پذیرد. اما متاسفانه در چنین شرایطی "اقلیت" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدون توجه به این امرمهم دست به انشعابی نادرست و غیر اصولی زده‌است. این انشعاب نمی‌تواند به‌نفع جنبش انقلابی مردم میهن ما باشد. رفقای "اقلیت" با "استفاده" از پاره‌ای نارسائی‌ها و نقصان‌هائی که طبیعی یک‌سازمان جوان کمونیستی است فرصت طلبانه از سازمان جدا می‌شوند و به راه خود می‌روند. این رفقا گمان می‌کنند که با "جدا" شدن و نام‌سازمان را به گروه خود اختصاص دادن، سازمان را تصفیه کرده و خود دارای هویت ایدئولوژیک ـ سیاسی و پایگاه توده‌ای خواهند شد.

ما در اینجا ذکر پاره‌ای نکات را برای رفقای پیشگام ضروری می‌دانیم:

۱ـ ما معتقدیم که هویت ایدئولوژیک سیاسی را از طریق دستیابی به مبانی و اصول تنها از طریق شرکت فعال در مبارزه ایدئولوژیک می‌توان بدست آورد نه با انحلال طلبی. از این رو با آموختن و آموزش دادن مارکسیسم ـ لنینیسم خلاق و تلفیق آن با پراتیک جامعه خواهیم کوشید تا سهم خود را در تقویت و استحکام بخشیدن به سازمان و تلاش در راه آرمان زحمتکشان به انجام رسانیم.

۲ـ با دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک فعال و سازنده بکوشیم تا ضمن تعمیق دادن به آگاهی خود و دیگران از قضاوت‌های تعصب‌آلود و شتابزده بپرهیزیم و با برخوردهای اصولی راه را بر هرگونه نفاق اندازی و شایعه سازی ببندیم.

۳ـ مبارزه ایدئولوژیک از شرکت در مبارزات ضد امپریالیستی ـ دمکراتیک مردم میهن ما جدا نیست. مبارزه ایدئولوژیک نباید مانع از مشارکت ما در فعالیتهای دمکراتیک معلمان گردد. هم‌چنین وظیفه‌ای را که در قبال دانش‌آموزان و بسیج و تشکل معلمان بر عهده داریم نباید به دست فراموشی بسپریم.

معلمان پیشگام ـ تهران
۵ تیر ۱۳۵۹

بقیه‌ازصفحه ۱۶

جشن گندم...

به‌توطئه چینی و نیز عملیات خرابکارانه و جنگ افروزانه برای تضعیف و به شکست کشاندن انقلاب ایران مشغولند و بدیهی است تا پیروزی‌نهائی انقلاب، مشکلات فراوانی‌در پیش خواهیم داشت. ناطقین ضمن محکوم کردن سیاست‌های جنگ طلبی در کردستان از مبارزات خلق کرد برای استقرار صلح عادلانه و شرافتمندانه در کردستان پشتیبانی کرده و خواستار آن شدند که دست اندرکاران هر چه زودتر به پیشنهادات صلح خلق کرد و نیروهای سیاسی آن جواب مثبت و صریح دهند.

در فواصل برنامه‌ها اجرای‌موسیقی محلی توسط گروه "بخشیلر" به مراسم شور و نشاط خاصی می‌بخشید و در پایان نیز طبق سنت از کلیه حاضرین در جشن پذیرایی به عمل آمد و پس از صرف نهار و با وعده قبلی مراسم کشتی انجام گردید و نیز نمایشنامه‌ای از طرف گروه هنری گیلان که به منطقه ترکمن صحرا رفته بود با نام "انواع‌مختلف قتل" که جنایات سرمایه‌داری را به نمایش می‌گذارد، اجرا گردید که مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

بقیه‌ازصفحه ۱۶

نسبت به اعدام احتمالی...

طبق اطلاعاتی که در دست است، در دادگاه انقلاب اسلامی گنبد یکی از فرزندان مبارز و انقلابی خلق ترکمن "عبدالله قزل" بطور پنهانی به محاکمه کشیده شده و به خاطر دفاع از منافع خلق ترکمن و مبارزه برای حفظ شوراهای دهقانی ترکمن صحرا در آستانه اعدام قرار گرفته است.

پس از فاجعه ترور فدائیان خلق توماج، مختوم، جرجانی و واحدی و محاکمات پنهانی فدائی خلق دکتر نریمی‌سا و اعدام جنایتکارانه وی که بدون رعایت ابتدائی‌ترین موازین حقوقی و بر پایه جعلیات و اتهامات بی‌اساس صورت گرفته، اینک یکی از فرزندان آگاه و انقلابی خلق ترکمن توسط دادگاه انقلاب گنبد در آستانه اعدام قرار گرفته است.

ما عواقب تشنج‌بار اعدام احتمالی "عبدالله قزل" را به ویژه در منطقه ترکمن صحرا تنها بر عهده دولت جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم و از پیش نسبت به عواقب آن به دادگاه انقلاب اسلامی گنبد و همه مقامات رسمی هشدار می‌دهیم.

سازمان‌چریکهای‌فدائی
خلق‌ایران (اکثریت)
۲۴ تیرماه ۱۳۵۹

پیروزباد مبارزات ضدامپریالیستی ـ دمکراتیک خلقهای ایران

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
سال دوم ـ شماره ۶۷ ـ صفحه ۱۵

کمکهای مالی دریافت شده

الف و آ			
۳۳۱۲	۱۰۱۲۵	۲۵۱۳	۵۸۲۱
۵۱۶۲	۳۶۰		۲۵۲۳۰ ح
۱۱۱۹			۳۴۹۰
۱۰۷۱		۳۲۶۱	۷۰۰
۱۰۱۱۸			۵۸۳۱
۵۹۰۱		غ	۱۳۳۳
۵۳۴۲	ج		۶۰۸۸۸
۵۱۱۶		۵۰۰۱	۱۶۰۰۰
۱۰۱۰۱	۱۰۱۲۵	۱۰۱۲۰ ع ک	۱۰۱۲۱
۲۱۱۸	۱۰۰۰	۱۰۵۴	۱۱۰۰۰
۲۷۳۵۷	۵۶۶		۹۲۱
۲۳۳۳	۱۰۱۲۳	ف	۱۶۰۹
۴۳۶۱	۳۵۸۲۸		۱۰۲۲۰
۲۶۰۰	۸۱۶۶	۱۲۲۳۴	۵۳۴۹
۱۱۱۵		۸۰۲۲	۷۷۰
۲۳۱۲	ح	۴۰۰۱۳	۲۳۱۰
۲۵۵۵۵	۳۱۱۱	۴۵۱۴۰	۵۱۱۹
۱۲۲۲	۳۰۱۴۲	۳۱۱۱	۲۶۰۱
۳۳۲۷	۲۵۱۱۰	۲۰۲۰۰	۲۳۱۰۴
۵۱۰۰	۲۱۲۳	۱۷۸۹	۲۵۱۲۹
۷۲۱	۷۳۱۸	۸۱۰۰	۶۴۳۱
۸۳۳	۲۶۲۳	۵۳۰۰	۲۰۳۳۲
۱۱۲	۱۳۱۰	۲۱۵۰ د	۴۰۱۶
۱۰۲۱۱	۱۰۲۱۲	۵۲۰۰	۶۱۱
۱۳۰۱۴	۵۱۸	۱۲۲۴	۱۱۲۴ ش
		۴۲۲	۶۸۶۰
ب	خ	۲۰۱۳۹	۱۰۰۱
۵۱۲۳	۳۲۱۶	۱۰۵۶	۱۳۲۱
۵۳۳۳	۳۳۴۱	۲۰۰۳۹ ق	
۳۵۱۰۰		۱۰۵۶	ن
۶۳۱۱	د	۱۰۵۰۰	۹۰۱۶۱
۱۰۵۹۴			۲۲۴۴
۸۹۱۶	۸۳۴۹	ق	۲۸۳۲
۱۵۹۸۷	۷۹۰۱	۵۵۰۱	۱۵۴۳۷
۵۱۲۵ ش	۱۰۳۳۹	۱۰۸۰	۲۰۰۰
۳۳۳۴	۳۳۰۰	۱۰۴۰	۱۵۱۱۵
۱۰۰۱۹	۵۴۲۷	۶۴۲	۱۱۰۱
۶۰۰	۲۱۷۵		۱۱۱۱۵
۲۶۹۴۴	۳۲۵۳	ک	۶۹۳۱۸
۲۲۰۰	۱۰۳۲۳	۴۳۱۱ م	۱۰۹
۲۸۰۰	۵۰۴۱ ک	۱۰۱۴۲	
۷۹۳		۵۰۱۴۲	و
	د	۱۱۶۰	۵۱۲۳
پ		۵۲۰۹۱	۸۱۲۳
۵۲۱۹	۲۰۰۰	۱۰۰۶	۳۴۵۱
۳۴۵۶		۵۰۱۶۱	
۳۴۲۷	ر	۱۷۸۰۵	ه
۵۰۳۱	۵۱۱۱	۵۱۱۱	۳۰۳۳۲
۵۶۵۵	۲۴۵۱	۳۵۴۵	۱۹۳۴
۶۳۱۱	۲۰۲۲	۲۷۵۲	۵۵۰۰
۶۰۰	۱۹۰۰	۶۷۴۲	۱۰۲۸
۲۵۰۱	۱۲۳۴۹۹		۱۲۲۲
	۱۱۰۰	ک	۴۲۲
ت	۱۵۲۵	۳۰۳۳۳	
	۴۰۰۴۳	۳۵۹۹۹	ی
۲۱۱۱	۴۳۷۷۸		۲۵۱۰۵
۱۰۲۲۲		ل	۳۰۹۲
۵۲۹۹	ز	۳۶۲۳	
۵۴۹	۲۰۱۱۵	۲۲۲۰	بدون حروف
	۵۳۹۷	۱۰۴۴۳	اول نام
ث	۲۵۶۴۲		۱۵۰۲
۱۰۲۱۰	۲۰۰۱۹	م	۱۵۹۵۶
	۲۲۲۲	۱۴۲۵۷	۲۵۳۳۳
ج	۵۶۳	۴۰۳۳	۲۰۵۵۵
۲۲۲۲		۳۰۵۵	۴۰۰۰۰
۶۰۰	ز	۱۶۵۰	۱۲۳۵
۱۰۰۰	۳۰۳۵۷	۴۰۱۰۰	۵۵۹۹
۱۰۰۰۰	۱۰۶۲۷	۲۱۱۰۰	

الف: ۶۱۵ ه‌لنشا‌ن پیشگام ۲۴۰۰ ت ـ ر ۴۰۰ هدیه شما رسید
ب: ۴۰۰ هدیه شما رسید

کمکهای مالی دریافت شده

((شاخه آذربایجان))

الف و آ	ح	د	ع	ن
۱۱۰۵	۱۰۰۶۷	۲۰۸۰۰ ـ ب	۴۰۲۵	۱۳۱۷
۶۱۱		۲۰۹۲۵ ـ م	۸۲۵	
۳ ـ ل	ج		غ	ن
۱۴۳۳۳		ز	۴۰۳۰۲	۴۰۲۳
۳۹۰۹	۱۶۶۰۰	۳۷۱۷	۵۰۱۳	۱۰۰۴
۸۰۰	۶۲۲۱	۵۶۸۷	۵۱۰۱۳ ـ ی	۱۰۰۶
۱۰۳۲۷	۳۱۵۱	۲۶۸۷	۷۶۶۶	۵۲۱۳
۴۷۱۲۰	ف	س	م	۱۱۱۱۱
	۲۱۱۱	۱۶۲۴۶	۲۲۳۴۴	۱۰۰۲۵
ب	۳۰۱۹	۳۱۱۹	۱۰۱۸	۱۲۰۰
۲۱۱۹	۲۰۰۷	۱۰۸۸۵	۹۳۳۳	ی
۱۰۲۵	۱۲۲۲	۱۰۰۱۸	۱۰۲۰۱ ـ ن	۴۵۰۵ ـ ت
۱۰۱۱۱	۷۵۵	ص	۱۰۰۰۴	۶۱۲۵
۲۲۷۱	ق	۶۱۲۳		
	۲۸۴۱	۲۹۳۵		
ب		۱۲۷۸	بدون حرف اول نام	
۷۱۳۰	ر	ک	۱۰۰۰۰ ـ ص	
۳۶۶۶	۶۲۵۲۲۳ ع	۲۲۲		
۵۰۱	۳۰۲۹	۳۵۵۰ ـ ق		
۱۰۰۱۱				

الف: ۱۲۱۷ ه‌لنشا‌نپیشگام ۲۴۰۰ ب ـ ر ۴۰۰ هدیه شما رسید

ما همواره تأکید کرده‌ایم که:

" ارتش بدین دلیل حربه اصلی امپریالیسم در سرکوب خلق ماست که برای دفاع از منافع امپریالیسم به کمک بیش از ۴۰هزار مستشار امریکائی تعلیم یافته و تمام سازمان و ساز و برگ آن به وسیله آنها تدارک دیده شده... سرکردگان مزدور ارتش را با پیوندهای بسیار محکم به امپریالیسم و اقتصاد وابسته بدان متصل نموده است. بطوریکه هیچگاه نمی‌توانند مدافع آرمان‌ها و ایده‌آل‌های مردم ستمدیده ما باشند.
آنها امروز در جهت پس گرفتن پیروزی‌های مردم و بازگردانیدن دوران نکبت‌بار گذشته از هیچ کوششی خودداری نمی‌کنند و در پشت سکوت و حمایت دوپهلوی آنها از رهبران مردم، چیزی جز توطئه‌گری پنهان نیست. "

(نقل از اعلامیه: *ارتش ضدخلقی نابود باید گردد* ـ مورخ ۷ بهمن‌ماه ۵۷)

۳ روز پس از پیروزی قیام، در ۲۵ بهمن‌ماه ۵۷ سازمان ما با صراحت و قاطعیت اعلام کرد:

" مردم مصرانه خواستار برکناری تمامی عناصر و عوامل وابسته به رژیم سابق می‌باشند. بازگرداندن دوباره آنها بر سر کار و سپردن پست‌های حساس بدان‌ها خلاف اراده انقلابی توده‌هاست... سازمان‌های مسلح انقلابی و توده‌های قیام‌کننده باید مبنا و پایه هرگونه سازماندهی نظامی جدید قرار گیرد، انقلاب باید ارتش انقلابی را به وجود آورد. کسانی باید این ارتش را ایجاد کنند و عضو آن باشند که علیه ارتش ضدانقلاب جنگیده‌اند، این ارتش باید از درون کمیته‌های دفاع مسلحانه مردم به وجود آید.

ارتش ضدانقلابی را باید به تمام و کمال نابود ساخت و عناصر میهن پرشت آن را به خدمت سازماندهی و آموزش نظامی ارتش توده‌ای گماشت. فرماندهان ارتش خلق باید با انتخاب شورای سربازان، درجه‌داران و افسران جزء برگزیده شوند. هرگونه سازماندهی نظامی با هدف احیای تشکیلات سابق ارتش با تکیه بر عناصر مشکوک و وابسته به رژیم سابق از قبل محکوم است. در راس ارتش خلق باید کسانی قرار گیرند که ایمان خود را به آرمان‌های مردم به اثبات رسانیده و درراه آن جنگیده باشند. "

(نقل از اعلامیه: *ازدستاوردهای انقلاب خونین مردم ... حفاظت کنیم* ـ مورخ ۲۵ بهمن‌ماه ۵۷)

توصیح: قسمت پنجم مقاله " از تجربه مبارزات زحمتکشان میهنمان درس بگیریم " و نیز قسمت دوم مقاله " دیکتاتوری نظامی ضیاء الحق، دشمن خلق‌های پاکستان و ... " به دلیل تراکم مطالب و کمبود جا در شماره آینده درج خواهد شد.

بقیه از صفحه ۸

با اتحاد مردم...

سلطنت‌طلبان سر باز زده، چشم به دهان مصدق و بورژوازی ملی دوخت! در عوض امپریالیسم و ارتجاع فرصت یافتند که از همان‌فردای ۳۰ تیر به تجدید قوا پرداخته و زمینه توطئه‌ها و تهاجمات بعدی را فراهم آورده و در ۲۸ مرداد ضربه قاطع و کاری را به جنبش ضد امپریالیستی وارد آورند.

مبارزات توده‌های مردم و نیروی عظیمی که در ۳۰ تیر به نمایش نهادند صف نیروهای ضد انقلابی را فشرده‌تر ساخت. جناح راست جبهه ملی (از جمله آیت‌الله کاشانی) که از گسترش قیام به وحشت افتاده بودند، بطور قطع در آغوش ضدانقلاب فرو رفتند. جناحی از جبهه ملی راه‌خیانت را در پیش گرفت. مردم ایران باید بدانند که "جبهه ملی" امروز که خود را طرفدار مصدق می‌نامد و کوشش میکند از حیثیت او به نفع خودودر جهت فریب توده‌ها استفاده کند، اکنون نه تنها در برابر آرمان مردم قرار گرفته‌اند، بلکه به هدف‌های مصدق و یاران دیگر او نیز خیانت ورزیده‌اند. امپریالیسم امریکا نیز بعد از ۳۰ تیر به نقش عوامفریبانه خود پایان داده و به دشمنی فعال با مصدق پرداخت. مبارزات مردم امپریالیست‌ها را به هم نزدیک ساخت و آنها در برابر خطری که کل منافعشان را مورد تهدید قرار داده بود، به سازش رسیدند، در برابر چنین تحولاتی پایگاه توده‌ای مصدق گسترش یافت و حزب توده نیز به او نزدیک شد، اما سیاست مصدق تکیه بر توده‌های مردم نبود، او تنها به اختلاف امریکا و انگلستان ـ که تنها بر سر چگونگی تقسیم غنائم بود ـ و مبارزه‌ای از طریق دادگاه‌های بین‌المللی و محکوم ساختن انگلستان در این دادگاه‌ها چشم دوخته بود و به همین سبب نتوانست از این موقعیت که در واقع می‌توانست استقلال او را از دربار و نیروهای ارتجاعی افزایش دهد و دست او را به یاری توده‌های مردم در سرکوب این نیروها بازتر کند استفاده نکرد. نتیجه چنین سیاست مماشات‌گرانه‌ای، حمله متقابل ضدانقلاب در یک سال بعد و نابودی کلیه دستاوردهای انقلاب بود

امروز باید بدانیم که بزرگترین عامل پیروزی سی‌ام تیر، مبارزه متحد مردم و نیروها و احزاب ضدامپریالیستی بر علیه امپریالیسم و مرتجعین داخلی بود. این تجربه گرانقدری است که باید فرا گرفت، اکنون نیز که امپریالیسم بجهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا هر روز در پی توطئه‌های جدیدی بر علیه مبارزات انقلابی توده‌های مردم می‌باشد، تنها وحدت و یکپارچگی مردم قادر خواهد بود که چنین توطئه‌هایی را با شکست مواجه سازد و انقلاب را پیروزمندانه به پیش برد.

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

کار
ارگان سراسری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت)
سه ۲۵ تیر ۱۳۵۹
شماره ۶۷ ـ صفحه ۱۶

در راه خلق فداکار
و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم

گرامی باد خاطره رفقای شهید تیرماه

تیرماه، ماه شهدای سازمان را با نام فدائی کبیر جمیدا اشرف آذین می‌بندیم.
نام درخشان و روشنی که همیشه الهام بخش انقلابیون کمونیست در وفاداری به آرمان خلق و تسلیم ناپذیری در برابر دشمنان مردم است.
حماسه شهادت فدائیان خلق در تاریخ مبارزات خلقهای جهان علیه امپریالیسم و رژیم‌های دست‌نشانده آن جاویدان خواهد ماند.

★ نزهت السادات روحی آهنگران
★ کمال محمدی
★ هادی کاکا خانی
★ اسمعیل حسینی
★ مارتیک قازاریان
★ حمید آریان
★ غلامحسین خاکباز
★ فرشته گل عنبریان
★ محمدحسین حق نواز
★ احمد خرم آبادی
★ محمود عظیمی بلوریان
★ یدالله زارع کاریزی
★ غلامعلی خراط پور
★ بهزاد امیری دوان
★ کاظم سلاحی
★ غلامرضا جلالی
★ نادره احمد هاشمی
★ علی اکبر وزیری
★ افسرالسادات حسینی
★ یوسف قانع خشک بیجاری
★ غلامرضا لایق مهربانی
★ فاطمه حسینی
★ حمیدژیان کرمانی
★ سیمین توکلی
★ کامران رضوانی
★ سیاوش حمیدی
★ محمد مهدی فوقانی
★ عسگرحسینی ابرده
★ حمید اشرف
★ دکتر اسمعیل نریمیسا
★ نسترن آل آقا
★ گلرخ مهدوی
★ کاظم غبرائی
★ رضا یثربی
★ طاهره خرم
★ نادعلی پورنغمه
★ طوبی مولودی
★ توفیق قریشی

جشن گندم بر زحمتکشان ترکمن صحرا مبارک باد

به مناسبت پایان یافتن فصل درو و محصول گندم، بر اساس یک سنت دیرین در میان زحمتکشان ترکمن صحرا مراسم جشنی با حضور عده کثیری از روستائیان و مهمانانشان در روز جمعه ۱۳ تیر ماه ۵۹ در یلمه سالیان زادگاه رفیق شهید توماج برگزار گردید.

این جشن که از طرف اتحادیه روستایی توماج (بی بی شیروان) بر پا گردیده بود، زمینه‌ای فراهم نمود که یک بار دیگر سنت انقلابی زحمتکشان ارج گذاشته‌شود و وحدت و یکپارچگی مردم زحمتکش که پس از سالهای سال اکنون در غیاب اربابان به شادمانی می‌پرداختند به نمایش گذاشته شود.

در ابتدای این مراسم یکی از روحانیون مبارز منطقه گفت:

"در گذشته روستائیان ترکمن صحرا پس از پایان فصل درو در سطح محدود و با عده کمی روستائیان جشن گندم را برگزار می‌کردند. اما امروز که زحمتکشان روستایی از بند فئودال‌ها و زمینداران بزرگ آزاد شده‌اند و زمین‌ها را با هم کشت می‌کنند و با هم درو می‌کنند و گندمش را با هم قسمت می‌کنند، جشن گندم صورتی دیگر به خود گرفته است. این جشن به نمایش می‌گذارند."

این ناطق و ناطقین دیگر بر ضرورت کار و مبارزه جمعی بر روی زمین و کشت شورایی

عکس گوشه‌ای از مراسم جشن گندم را در "یلمه‌سالیان" با شرکت مادر شهید توماج (سمت چپ، ردیف اول) نشان میدهد.

نمودار اتحاد و همبستگی زحمتکشان ترکمن صحرا شده است. بطوری که بیشتر زحمتکشان روستایی از دهات دور و نزدیک در آن شرکت می‌کنند و اتحاد و همبستگی خود را تاکید کردند و ضمن هشدار و لزوم مقابله با ضد انقلاب در منطقه و در سراسر ایران اظهار داشتند که هنوز عوامل امپریالیسم در کلیه نقاط کشور از جمله در نواحی غرب

بقیه در صفحه ۱۴

نامهٔ سرگشادهٔ پدر

فدائی شهید دکتر اسمعیل نریمیسا
به آیت الله خمینی

نامه‌زیر را که پدر فدایی شهید، دکتر نریمی‌سا برای اکثر روزنامه‌ها فرستاده است در هیچ‌کجا به چاپ نرسید. و این خود بیانگر آن است که یک سال و نیم پس از انقلاب پر شکوه بهمن ماه که نظام شاهنشاهی به دست پر توان مردم ایران سرنگون شد، سانسور اخبار و تحریف حقایق به صورت روش معمول روزنامه‌ها در آمده است.

روزنامه‌هایی که ادعاهای "دادگاه‌های انقلاب اهواز" را علیه دکتر نریمی‌سا به چاپ می‌رسانند چرا حاضر نیستند پاسخ نیروهای انقلابی و یا نام پدر زحمتکش و ستمدیده شهید دکتر نریمی‌سا را به چاپ رسانند؟ زیرا همه آنها تحت کنترل نیروهائی قرار دارند که از آگاه شدن مردم از حقایق می‌ترسند.

تنها انقلابیون واقعی هستند که حقیقت را به مردم خواهند گفت.

نامه پدر شهید دکتر نریمی‌سا:

بقیه در صفحه ۷

نسبت به اعدام احتمالی یکی از فرزندان انقلابی خلق ترکمن به مقامات مسئول هشدار می‌دهیم!

در صفحه ۱۴

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر